

طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق مراکز مداخله در بحران


دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*  زهرا اکبری


استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

 آسیه شریعتمدار

دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

 کیومرث فرحبخش

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، ایران.

 علی محمد نظری

چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق مراکز مداخله در بحران استان سمنان بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش داده بنیان (گراند تئوری) مبتنی بر مصاحبه با متخصصان مشاوره طلاق و متقاضیان طلاق توافقی پیرو درک تجربه زیسته آنان انجام شد. بدین منظور با روش نمونه‌گیری هدفمند با ۶ نفر از متخصصان حوزه مشاوره طلاق و ۸ نفر از زوجین متقاضی طلاق بعد از شرکت در جلسات مشاوره طلاق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته به عمل آمد. پس از کدگذاری و تحلیل داده مصاحبه‌های متخصصین، ۸ مضمون اصلی و ۵۲ مضمون فرعی شناسایی شد. مضامین اصلی شامل صلاحیت‌های عمومی، ظاهری، ارتباطی، اخلاق حرفه‌ای، شخصیتی، صلاحیت‌های مربوط به فنون رهنمودی، مداخلات انگیزشی و صلاحیت‌های تخصصی در مشاوره زوجی و طلاق است. از مصاحبه با متقاضیان طلاق نیز ۶ مضمون اصلی (۴۱ مضمون فرعی) با عنوان صلاحیت ظاهری، ارتباطی، اخلاقی،

* نویسنده مسئول: zakbari14@gmail.com

شخصیتی، صلاحیت‌های مربوط به فنون رهنمودی و صلاحیت‌های تخصصی در مشاوره زوجی و طلاق استخراج شد. در نهایت مدل صلاحیت حرفه‌ای مشاوران طلاق با محورهای ضرورت‌های پیش از آموزش مشاوران، آموزش صلاحیت‌های مهارتی، آموزش صلاحیت‌های مشاوره زوجی، تداوم تجارب آموزشی در ضمن کار و ارزیابی مداوم از صلاحیت حرفه‌ای تدوین شد. نظر به یافته‌های پژوهش و با توجه به اینکه اخیراً قوه قضائیه در حال جذب و اعطای پروانه اشتغال به مشاوران ویژه طلاق است تا نسبت به ارجاع پرونده‌های طلاق به آنان اقدام نماید، پیشنهاد می‌شود از این مدل به منظور جذب نیروهای متخصص و آموزش آن‌ها اقدام نماید.

کلیدواژه‌ها: صلاحیت حرفه‌ای، مشاوره طلاق، مراکز مداخله در بحران.



مقدمه

گاهی تحولات زندگی سیستم زناشویی را چنان بی‌ثبات می‌کنند که زن و شوهر از یکدیگر قطع امید کرده، قادر به گذشت و بخشودن اعمال، افکار و احساسات یکدیگر نیستند و در باور خود چاره‌ای جز وارد شدن به تعارضات زناشویی و گاه طلاق نمی‌بینند. طلاق شایع‌ترین پیامد تعارض شدید است و سرانجام بالغ بر نیمی از زوجها که درصدد مشاوره هستند، طلاق می‌گیرند (ورتینگتون^۱، ۲۰۰۳).

طلاق مراحل گوناگونی را طی می‌کند. بوهانان^۲ پژوهشگری که در زمینه طلاق کار کرده است معتقد است افراد برای گذار از فرایند طلاق از چند مرحله می‌گذرند. این مراحل عبارت‌اند از: طلاق عاطفی، قانونی، تدارکاتی، اقتصادی، والدینی، اجتماعی و طلاق روانی (کوآتس و لاکراس^۳، ۲۰۰۳). در بررسی علت طلاق علاوه بر عوامل اقتصادی، اجتماعی توجه به عوامل فردی و روان‌شناختی از جمله گرایش به طلاق اهمیت دارد (کارنی و بردبری^۴، ۱۹۹۷). مقصود از مفهوم گرایش به طلاق، میزان تمایل و علاقه‌مندی زوجین به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی طلاق است. این مفهوم دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است که در بعد شناختی تصورات فرد در مورد طلاق را در برمی‌گیرد و بعد عاطفی شامل احساسات و عواطف مثبت و منفی فرد در مورد طلاق است، سرانجام بعد رفتاری میزان آمادگی رفتاری فرد نسبت به امر طلاق در برمی‌گیرد (لانگک و یانگ^۵، ۲۰۰۷؛ ترجمه نظری، خدادادی، اسدی، ناموران و صاحب‌دل، ۱۳۹۲). این آسیب اجتماعی یک تجربه روانی سخت هم برای زوجین متقاضی طلاق و هم برای فرزندان آنهاست؛ هرچند معمولاً زوجین به امید زندگی بهتر از هم جدا می‌شوند (روت^۶، ۲۰۱۰). طلاق به وضعیت سلامت شخص آسیب می‌رساند و ریسک افسردگی،

-
1. Worthington, Jr, E. L
 2. Bohannon, R. W.
 3. Coates, C, & LaCrosse, R.
 4. Karney, B. R, & Bradbury, T. N.
 5. Long, L. & Young, M.
 6. Root, A.

سوء مصرف الکل و مواد و حتی خودکشی را افزایش می‌دهد (بارلو^۱، ۲۰۰۳). نخعی، اسلامی و یزدان پناه (۲۰۲۰) دلایل طلاق در ایران را شامل ناتوانی در حل تعارض، نارضایتی از نحوه ابراز علاقه و نارضایتی از شخصیت همسر می‌دانند. طلاق توافقی یک پدیده آسیب‌زای نوظهور برای خانواده است که در سال‌های اخیر شدیداً رو به افزایش است (هاشمی و جعفری، ۱۴۰۰). آمار ارائه‌شده توسط سازمان ثبت‌احوال مربوط به تابستان ۱۳۹۹ نشان می‌دهد نسبت ازدواج به طلاق ۳/۳ است و این میزان در استان سمنان معادل ۳/۱ است، هرچند این نسبت پایین‌تر از متوسط کشوری است اما در مقایسه با دوره‌های قبلی کاهش پیدا کرده است. پیامدها و آثار طلاق سیاستمداران را بر آن داشته تا با اجرای طرح‌های مختلف آسیب‌های آن را کاهش دهند. در کشور ما طرح‌های مختلفی از سوی نهادهای متفاوت در راستای کاهش آمار طلاق ارائه می‌شود و در یکی از آن‌ها، بر اساس قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ طرح مداخله در خانواده به‌منظور کاهش طلاق برای گروه هدف اجرا می‌شود. این گروه شامل افرادی است که به یکی از مراکز کاهش طلاق، دادگستری، مداخله در بحران فردی، خانوادگی و اجتماعی مراجعه کرده باشند. این طرح باهدف سعی در حفظ و تحکیم میان خانواده، کاهش وقوع طلاق از طریق ارائه خدمات مشاوره‌ای و مددکاری اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از طلاق اجرایی می‌شود. مراکز مداخله در بحران در صورت حصول سازش به تنظیم سازش‌نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود را در مورد علل عدم سازش به‌صورت مکتوب به دادگاه اعلام می‌کند و دادگاه باملاحظه نظر کارشناسی مشاوران طلاق مبادرت به صدور رأی می‌کند (سایت سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۷). در حال حاضر مشاورانی که در این مراکز مشغول هستند آموزش منسجمی نداشته‌اند و هرکدام بر اساس یک دیدگاه و آنچه آموخته‌اند، مشاوره می‌دهند (خاکی، فرحبخش، معتمدی، اسمعیلی و سلیمی بجزستانی، ۱۳۹۶).

1. Barlow, B. A

این مشاوران ممکن است در ارتباط مؤثر با مراجعاتشان با چالش‌ها و مسائل پیچیده‌ای مواجه شوند (اکورام و بالوگان^۱، ۲۰۰۵). این چالش‌ها عوامل بیرونی و درونی دارد. عوامل درونی شامل: الف) ویژگی‌های شخصیتی مشاوران، ب) نگرش خود مشاوران به طلاق و ج) صلاحیت‌های حرفه‌ای آنان می‌شود؛ در مورد ویژگی‌های شخصیتی اریکسون و مک اولیف^۲ (۲۰۰۶) نشان دادند ویژگی‌های شخصیتی و رشد اخلاقی در حدود ۱۸ درصد، واریانس موفقیت شغلی مشاوران را پیش‌بینی می‌کند. همچنین بلاچر^۳ (۲۰۰۰) و لادانی و برادلی^۴ (۲۰۰۱) نیز معتقدند که همدلی، احترام، عینیت‌گرایی، صداقت، شجاعت، شوخ‌طبعی، اصالت، مواجهه مهم‌ترین خصوصیات یک مشاور کارآمد است. مشاور طلاق باید اعتقادات خود را در مورد طلاق به‌ویژه هنگامی که پای فرزند در میان باشد، در مورد ارزش‌های دینی، تاریخچه خانوادگی، تجربه تأهل و طلاق بررسی نماید (هاروی، ۲۰۰۵؛ ترجمه احمدی، اخوی و رحیمی، ۱۳۹۵).

در نظام مشاوره به کارگیری سیستم‌های متفاوت طبقه‌بندی تجربی معتبر وجود دارد که به ارزیابی مهارت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای مشاوره‌ای می‌پردازد. این موارد شامل وجود مهارت‌های مشاوره‌ای، اثر مشاور، صلاحیت‌های حرفه‌ای بین فرهنگی، پاسخ‌های کلامی مشاور به مراجع و نیز شرایط تسهیل‌کننده است (فلین و هیز^۵، ۲۰۱۵). آستین^۶ (۲۰۰۵) عقیده دارند که مشاوران موفق باید قبل از کاربرد مهارت‌های اساسی در فرایند مشاوره، دارای پنج ویژگی خودآگاهی، تمرکز و آرامش، شوخ‌طبعی، صداقت و نگرش بدون داوری نسبت به خویشان و دیگران باشند.

بدون تردید یکی از پرسش‌های رایج در آموزش مشاوران و درمانگران این است که این افراد برای کسب آمادگی به‌منظور احراز حرفه مشاوره و توانایی درمانگری موفق و

-
1. Okurame, D. E., & Balogun, S. K.
 2. Eriksen, K. P., & McAuliffe, G. J.
 3. Blocher, D. H.
 4. Ladany, N., & Bradley, L. J.
 5. Flynn, S. V., & Hays, D. G.
 6. Austin, L.

کارآمد باید واجد چه ویژگی‌هایی باشند (دوکانه‌ای فرد، شفیق آبادی و شریفی، ۱۳۸۷). در جهت تقویت هویت حرفه‌ای، به‌عنوان یکی از عوامل درونی چالش‌های مشاوره طلاق مدل‌هایی پیشنهاد شده است: در مدل آموزشی مشاوره حرفه‌ای به یادگیری این مهارت‌ها اشاره می‌شود: ۱- مکاشفه (تماس چشمی، زبان بدن، دنبال کردن، هماهنگی زبانی، سؤالات و عکس‌العمل‌ها) ۲- درک (همدلی برای تغییر، خود افشایی، پذیرش بی‌قیدوشرط) ۳- عمل کردن (تصمیم‌گیری، انتخاب، شناسایی و تشخیص نتایج احتمالی، به توافق رسیدن). در این مدل آموزشی به کارآموزان مشاوره توصیه می‌شود که چهار خصیصه را در زمینه مهارت‌های مشاوره‌ای تقویت کنند که شامل این موارد می‌شود: ۱- خودکارآمدی، ۲- درک ساختار شناختی پیچیده، ۳- خودارزیابی دقیق مهارت‌های مشاوره‌ای، ۴- خود نظارتی که برای بهبود در این رابطه می‌توانند از ایفای نقش در جلسات تمرینی خود با همکارانشان استفاده کنند (سمبای و مادوکس^۱، ۲۰۱۰).

این حرفه برای بسیاری از درمانگران توأم با پاداش و موفقیت است، احتمال ناکامی در این حرفه برای افرادی بیشتر است که به حالت‌های روانی منفی از جمله فرسودگی دچار می‌شوند (داتو و متو^۲، ۲۰۱۶)؛ بنابراین بدون داشتن صلاحیت‌های حرفه‌ای مشخص، توانایی مشاور برای ارائه بهترین خدمات به مراجعانش، از جمله کاربست اصول اخلاقی در فرایندهای مشاوره ممکن است به خطر افتد (گیبسون، دلارهاید، لیچ و موس^۳، ۲۰۱۵).

بلاچر (۲۰۰۰) در زمینه صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای مشاوران کارآمد نشان داد ویژگی‌ها و صلاحیت‌های یک مشاور کارآمد عبارت‌اند از: ۱- ساختار ارزشی خود را روشن می‌کند و میان ساختار ارزشی خود با ساختار ارزشی دیگر گروه‌ها تمایز قائل می‌شود. ۲- در ارتباطات شغلی خود انعطاف‌پذیری، گشودگی، دلسوزی و تحمل نشان می‌دهد. ۳- برای رشد حرفه‌ای خود تلاش مداوم می‌کند. ۴- توانایی به‌کارگیری نظریه‌های مشاوره، شخصیت، یادگیری و ارزیابی روان‌شناختی را در کار حرفه‌ای خود

1. Smaby, M. H, & Maddux, C. D.

2. Datu, J. A. D, & Mateo, N. J.

3. Gibson, D. M, Dollarhide, C. T, Leach, D, & Moss, J. M.

دارد. ۵- به چگونگی تأثیرگذاری ویژگی‌های خود بر روند مشاوره آگاه است. ۶- به‌طور مداوم در پی روزآمد کردن دانش خویش است. ۷- از نتایج تحقیق در کاربردهای عملی استفاده می‌کند. ۸- از عوامل زمینه‌ساز خرده‌فرهنگ‌های گوناگون مثل عوامل اقتصادی، فشارهای سیاسی و جهت‌گیری‌های ارزشی آگاه است. ۹- به پی‌گیری جلسات مشاوره علاقه‌مند است و یک راهبردمشاوره‌ای مؤثر را به کار می‌گیرد. ۱۰- به نقاط قوت و ضعف خود آگاهی دارد (نقل از دوکانه‌ای فرد، شفیع‌آبادی، شریفی، ۱۳۸۷). عوامل بیرونی، باوجود آنکه خارج از اختیار مشاور است، اما مشاور به‌صورتی غیرمستقیم می‌تواند بر آن عوامل هم تأثیرگذار باشد. چراکه در فرایند مشاوره به‌عنوان یک جریان تخصصی، مراجع خود را بهتر می‌شناسد چگونگی تصمیم‌گیری را می‌آموزد و سرانجام راه‌حل مناسب را برای حل مشکل خود پیدا می‌کند؛ بنابراین مشاور باید محیطی توأم با درک، همدلی و تفاهم به وجود آورد تا مراجع احساس امنیت نموده و مسائل خود را مطرح سازد. عامل بعدی مربوط به ویژگی‌های زوجین مراجعه‌کننده برای مشاوره طلاق است. زوجین در طلاق، به تدریج به لحاظ عاطفی از هم دور شده و نسبت به هم سرد می‌شوند. به عبارتی پیوندهای هیجانی بین زوج‌ها به تدریج از هم می‌گسلد و گره‌های ارتباطی بین آن‌ها شل می‌شود و آن‌ها در نهایت به‌جایی می‌رسند که نسبت به یکدیگر هیچ‌گونه احساسی ندارند. در این موارد تبادل عاطفی و رابطه جنسی بین آن‌ها رنگ می‌بازد و اگر هم رابطه جنسی وجود داشته باشد، به‌اجبار یا برحسب انجام وظیفه است. در مواردی ممکن است زوج‌ها ظاهراً باهم هیچ مشکلی نداشته باشند و تعارض بین آن‌ها آشکار نباشد، اما چنین چیزی به معنای نبود تعارض نیست، بلکه به این معناست که زوج‌ها انگیزه خود را برای تغییر یکدیگر و حفظ زندگی ازدست‌داده‌اند و تمایلی به حل مشکل و حفظ زندگی زناشویی ندارند (قهاری و بوالهروی ۱۳۹۵). تسلر و تامپسون^۱ (۲۰۰۶) معتقدند شیوه‌ای که طلاق آغاز می‌شود، می‌تواند با ایجاد تجربه همکاری و توافق یا تجربه رقابتی بر تمام فرایند طلاق تأثیرگذار باشد. باوجود استرس ناشی از طلاق، ری^۲ (۲۰۱۱)؛ اسکونبرن و ویشمن^۱

1. Tesler, P. H, & Thompson, P.

2. Wray, K. B.

(۲۰۱۰)؛ داس، رد، استنلی و مارکمن^۲ (۲۰۰۹) معتقدند بسیاری از افراد به دنبال کمک مشاوران در این بحران نیستند. علاوه بر این، تجربه خوب از روان‌درمانی قبلی با نگرش مثبت به مشاوره طلاق رابطه مثبتی دارد. مطابق بحث فوق در مورد چالش‌های ناشی از عوامل بیرونی مشاوره طلاق، به نظر می‌رسد بررسی دنیای ذهنی یا تجربه زیسته مراجعان در مورد مشاوره طلاق و فرایند تجربه‌شده آنان از بازه زمانی مشاوره، برای شناخت انتظارات مراجعان و علل موفقیت یا عدم موفقیت مشاوره‌های طلاق از دید مخاطبان آن لازم باشد. تجربه زیسته دنیایی است که برای هر یک از انس آن‌ها زندگی روزمره را می‌سازد (کاواس^۳، ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد دستیابی به دنیای ذهنی این افراد علاوه بر ایجاد شناخت از دنیای آن‌ها در فرایند طلاق، می‌تواند برای متخصصانی که با این گروه کار می‌کنند در زمینه تدوین مداخلات حائز اهمیت و راهگشا باشد. توجه به تجربه زیسته به منزله تلاش برای فهم یا درک معانی تجربه انسان است. جهان زندگی همان تجربه‌ای است که بدون تفکر ارادی و بدون متوسل شدن به طبقه‌بندی کردن یا مفهوم‌سازی حاصل می‌شود و معمولاً شامل آن چیزهایی است که مسلم دانسته می‌شوند یا متداول هستند. هدف مطالعه تجربه زیسته، بازبینی تجارب بدیهی پنداشته شده و آشکار ساختن معانی جدید و یا مغفول مانده است (امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱). در اکثر موارد جدایی زن و شوهر در فرایند طلاق طولانی‌مدت، تداوم کشمکش با همسر سابق و کاهش منابع روان‌شناختی خاص همچون خوداتکایی را با خود دارد (آماتو^۴، ۲۰۰۰). رضایی (۱۳۹۳) در پژوهشی با محور بررسی تجربه زیسته طلاق زوجین در دوران عقد نشان داد دیدگاه خوش‌بینانه نسبت به طلاق، پیوند ضعیف شبکه ارتباط خانوادگی، راهبردهای فرعی برای حل مسئله در وقوع طلاق مؤثر هستند. پژوهش فوکودا، ناکامورا و تاکانو^۵ (۲۰۰۵)، لگ^۶

-
1. Schonbrun, Y. C. & Whisman, M. A.
 2. Doss, B. D, Rhoades, G. K, Stanley, S. M, & Markman, H. J.
 3. Kavas, S. E. R. A. P.
 4. Amato, P. R.
 5. Fukuda, Y, Nakamura, K. & Takano, T.
 6. Legge, E.

(۲۰۰۸) و حکیم شوشتري و همکاران (۱۳۸۷) حاکی از کیفیت پایین زندگی زنان درگیر فرایند طلاق و تحمل فشارهای مالی توسط آنان است. مور^۱ (۲۰۱۶) نشان داد طولانی شدن فرایند طلاق باعث ابهام و پیچیدگی در مرزهای زناشویی می‌شود. میرساردو و هاشمی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند طولانی شدن فرایند طلاق به تمایل زنان به استفاده از ارتباطات غیر مشروع برای سرعت بخشیدن به فرایند طلاق، نقصان در ایفای نقش مادری و انزوای اجتماعی آنان منجر می‌شود. با توجه به وابسته بودن نهاد خانواده و مفاهیم مربوط به آن به فرهنگ، به نظر می‌رسد حتی اگر مشاوران طلاق صلاحیت‌های حرفه‌ای مبتنی بر آموزش‌های دانشگاهی را کسب کرده باشند، هنوز لازم است ادراک کاربران مشاوره طلاق از این صلاحیت‌ها در عمل بررسی شود. لمبی و هوگان (۲۰۲۱) ابزاری جهت ارزیابی صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران مدرسه معرفی نمودند و در چهار بعد برنامه‌های مداخله‌ای، رفتارهای حرفه‌ای، ارزیابی و خدمات تحصیلی و شغلی به ارزیابی دانشجویان این رشته پرداختند. بیگدلی، فرحبخش، سلیمی، معتمدی و الهی (۱۳۹۹) بر پایه آسیب‌شناسی مشاوران طلاق به اثربخشی الگوی آموزشی برافزایش سازش پرداختند و نتایج نشان داد مشاوران طلاق در هفت حوزه مصاحبه تشخیصی، خانواده‌درمانی، زوج‌درمانی، درمان مراجعان دشوار، سکس تراپی، مدیریت هیجان و مصاحبه انگیزشی و خیانت زناشویی با آسیب مواجه است و بسته آموزشی تدوین شده موجب توانمندی مشاورین و افزایش سازش میان زوجین گردید.

با توجه به آمار روزافزون طلاق در کشور و استان سمنان، به نظر می‌رسد مداخلات صورت گرفته در فرایند مشاوره طلاق توسط مشاورین مستقر در مراکز مداخله در بحران بهزیستی پاسخگوی نیازهای زوجین در حال طلاق نباشد، چنان‌که اثربخشی این مداخلات بر اساس آمار معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه ۱۵ درصد گزارش شده است (نقل از روزنامه حمایت، ۱۳۹۶/۱۰/۱۹). همچنین این مشاورین خود آموزش‌های مناسبی را دریافت نکرده‌اند، لذا در این پژوهش محقق در پی پاسخ به این

1. Moore, S.

سؤال است که صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق بر مبنای نظر متخصصان چگونه است، زوجین متقاضی طلاق بر مبنای تجربه زیسته خویش چه انتظاراتی از مشاوران طلاق دارند، ویژگی‌های الگوی آموزش مشاوران طلاق مبتنی بر صلاحیت حرفه‌ای و تجارب زیسته متقاضیان طلاق چه خواهد بود؟

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با روش داده بنیان (گراندد تئوری) و از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با متخصصان مشاوره طلاق و متقاضیان طلاق پیرو درک تجربه زیسته آنان، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. برای مصاحبه با متخصصین جامعه پژوهش کلیه اساتید و متخصصانی است که مدرک دکتری در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره داشته و حداقل ۱۰ سال سابقه مشاوره در حوزه خانواده و طلاق دارند. از سوی دیگر به منظور بررسی تجربه زیسته زوجین متقاضی طلاق جامعه شامل کلیه زوجین ارجاعی از دادگستری به مراکز مداخله در خانواده بهزیستی استان سمنان در سال ۱۳۹۹ که درخواست طلاق توافقی داده‌اند و حداقل در دو جلسه مشاوره قبل از طلاق شرکت کرده باشند و هم‌چنین تمایل به شرکت در پژوهش داشتند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شد. پاتون^۱ اصطلاح نمونه‌گیری هدفمند را برای توصیف شیوه‌ای از نمونه‌گیری به کار می‌برد که در آن مواردی که از نظر اهداف تحقیق کیفی اطلاعات غنی دارند انتخاب می‌شوند (پاتون، ۲۰۰۷). طی این فرایند پژوهشگر با ۶ نفر از متخصصان حوزه مشاوره طلاق و ۷ نفر از زوجین متقاضی طلاق بعد از شرکت در جلسات مشاوره طلاق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته به عمل آورد. در طی انجام مصاحبه‌ها، موازین اخلاقی از جمله رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. پس از رسیدن به اشباع در مصاحبه، برای تحلیل کیفی نهایی مصاحبه‌ها توسط محقق به متن تبدیل شد و با استفاده از روش کلایزری، مضامین فرعی و اصلی استخراج شدند. سپس مدل آموزش

1. Patton, M. Q.

صلاحیت حرفه‌ای مشاوران طلاق طراحی شد و بر مبنای آن الگوی آموزش مشاوران طلاق مبتنی بر صلاحیت حرفه‌ای آنان تدوین و پس از تأیید و مشورت با اساتید، جهت ارزیابی اعتبار درونی برای ۵ نفر از اساتید ارسال و اعتبار آن سنجیده شد. بدین ترتیب که مدل صلاحیت‌های مشاوران طلاق به صورت آنلاین در اختیار ۵ نفر از اساتید دانشگاه‌ها در رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی که سابقه فعالیت در حوزه مشاوره طلاق داشتند قرار گرفت و داوران در مورد گام‌های مختلف این مدل در قالب طیف لیکرت ۳ درجه‌ای "ضروری است، مفید اما غیر ضروری و ضروری نیست" نظر خود را اعلام کردند. شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) بر اساس روش لاوشه ۱ به دست آمد و همه متخصصان گزینه ضروری است را انتخاب نمودند. حداقل میزان قابل قبول برای تعداد ۵ متخصص ۰/۹۹ است؛ بنابراین میزان روایی محتوایی مدل بالاتر و قابل قبول است. آماره ضریب کاپا نیز برای تعیین میزان قابلیت اعتماد استفاده شد و میزان توافق کاپا برابر ۱۰۰ درصد توافق بین داوران بود.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان داد میانگین سنی متخصصان مشارکت‌کننده در پژوهش ۴۳ سال و سابقه کاری ۱۲ سال داشتند. همه مشارکت‌کنندگان در این بخش دارای مدرک دکتری و ۴ نفر خانم و ۲ نفر آقا بوده‌اند.

جدول ۱ جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان متخصص

کد	جنس	سن	سابقه کار	تحصیلات
۱	آقا	۵۴	۳۰	دکتری
۲	خانم	۵۲	۲۰	دکتری
۳	آقا	۵۱	۲۱	دکتری
۴	خانم	۴۸	۱۴	دکتری
۵	خانم	۴۳	۱۲	دکتری
۶	خانم	۴۶	۱۳	دکتری
میانگین		۴۹	۱۸	

همان‌طور که مشاهده می‌گردد میانگین سن و سابقه کار متخصصانی که در مصاحبه شرکت داشتند به ترتیب ۴۹ و ۱۸ سال است و ۲ نفر از آنان آقا و ۴ نفر خانم بوده‌اند. همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد پس از کدگذاری و تحلیل داده مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصین، ۸ مضمون اصلی و ۵۳ مضمون فرعی شناسایی شد. مضامین اصلی شامل صلاحیت‌های عمومی، ظاهری، ارتباطی، اخلاقی، شخصیتی، صلاحیت‌های مربوط به فنون رهنمودی و انگیزشی و صلاحیت‌های تخصصی در مشاوره زوجی و طلاق است.

جدول ۲ صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق از نگاه متخصصان

مضامین فرعی	مضمون اصلی	ردیف
خلاصیت	صلاحیت عمومی	۱
تشخیص دقیق		
تسلط روی مدل درمانی		
ارجاع		
طی کردن دوره‌های آموزشی		
کارورزی با سوپروایزر دارای صلاحیت		
دانش و آگاهی		
مهارت و تجربه		
مداخله به موقع		
صلاحیت فرهنگی		
راهبرد مقابله‌ای جهت کاهش فرسودگی		
مدیریت جلسه	صلاحیت ظاهری	۲
ظاهر آرام		
سن بالا		
جذب و قاطعیت		
پوشش آراسته	صلاحیت ارتباطی	۳
قدرت کلامی بالا		
مهارت ارتباط اولیه		
درک و همدلی		

مضامین فرعی	مضمون اصلی	ردیف
گوش دادن فعال		
پذیرش		
عدم تعصب و قضاوت		
بازخورد		
رازداری	صلاحیت اخلاق حرفه‌ای	۴
تعهد		
لزوم حفظ اطلاعات شخصی		
آگاهی به اصول اخلاقی		
صبر	صلاحیت‌های شخصیتی	۵
مدیریت هیجان		
تاب‌آوری		
خواب‌داری		
تمایز یافتگی		
خودداری		
خودآگاهی		
مهارت تصمیم‌گیری		
کنترل بر خطای شناختی		
سلامت روان		
سازگاری بالا		
پختگی شخصیت		
آرام کردن مراجع		
مهارت حل مسئله		
مربطی هیجانی		
تأکید روی نقاط قوت و مثبت‌نگری		
قصد متناقض		
ایجاد انگیزه	صلاحیت مربوط به فنون انگیزشی	۷

مضمین فرعی	مضمون اصلی	ردیف
مصاحبه انگیزشی		
سؤالات معجزه یا استثنا		
نگرش تثبیت ازدواج	صلاحیت‌های تخصصی در مشاوره زوجی و طلاق	۸
عدم اتحاد با یکی از زوجین		
ارتباط با سیستم حقوقی		
تشکیل جلسات فردی در صورت نیاز		
توانایی مداخله در بحران خانواده		

در ادامه فرایند جمع‌آوری داده‌های پژوهش با ۸ نفر از کسانی که در فرایند مشاوره قبل از طلاق شرکت کرده بودند مصاحبه شد و سپس مصاحبه‌ها پیاده‌سازی، کدگذاری گردید و مضامین اصلی و فرعی آن استخراج شد که در ادامه می‌آید.

جدول ۳ جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه با متقاضیان طلاق

کد	جنس	سن	مدت زندگی مشترک	تعداد فرزند	علت درخواست طلاق	شغل	تحصیلات
۱	خانم	۳۷	۱۰	۱	تفاوت‌های شخصیتی	خانه‌دار	لیسانس
۲	خانم	۳۱	۴	۰	اعتیاد	فروشنده	دیپلم
۳	آقا	۳۴	۱۱	۱	دخالت اطرافیان	کارمند	لیسانس
۴	خانم	۲۶	۱	۰	اعتیاد	خانه‌دار	دیپلم
۵	خانم	۲۲	۶	۱	خیانت	خانه‌دار	فوق دیپلم
۶	آقا	۴۶	۱۶	۳	خیانت	کارمند	لیسانس
۷	آقا	۳۴	۶	۱	عدم علاقه‌مندی	آزاد	لیسانس
۸	خانم	۲۴	۵	۱	دخالت اطرافیان	خانه‌دار	لیسانس
میانگین		۳۱/۷	۷/۳				

میانگین سن مصاحبه‌شوندگان ۳۱/۷ سال و میانگین مدت زمان زندگی مشترک ایشان ۷/۳ سال است و به‌طور متوسط ۱/۱ سال از اقدام به طلاق توافقی آنان گذشته است. لازم به ذکر است ۲ نفر از مشارکت‌کنندگان طی فرایند مشاوره سازش نموده‌اند. طبق کدگذاری صورت گرفته ۶ مضمون اصلی و ۴۱ مضمون فرعی استخراج شد.

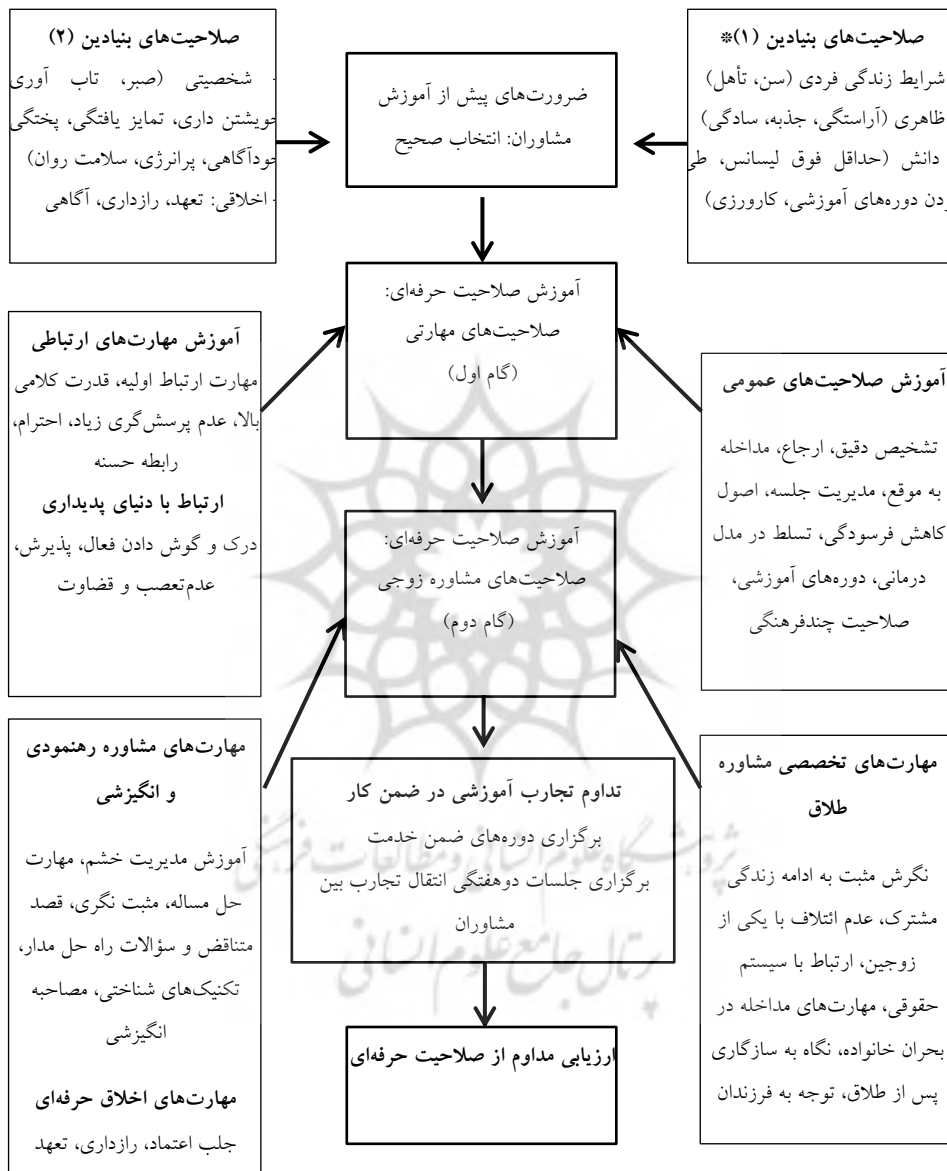
جدول ۴ صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق از نگاه متقاضیان طلاق

ردیف	مضمون اصلی	مضامین فرعی
۱	صلاحیت ظاهری (اولیه)	سن بالا و تجربه
		ظاهر ساده
		آراستگی ظاهر
		جذبه
۲	صلاحیت ارتباطی	احترام
		مهارت ارتباط اولیه
		مهارت برقراری ارتباط
		استفاده از استعاره و ضرب‌المثل (برای تفهیم بهتر)
		عدم پرسش زیاد
		درک و همدلی
		گوش دادن فعال
		طولانی نکردن فرایند مشاوره (جهت درک مراجعان)
		توجه فعال در جلسه
		رازداری
۳	صلاحیت اخلاق حرفه‌ای	جلب اعتماد
		اهمیت به زمان جلسات
		پیگیری جلسات
		حل مشکل و نه دامن زدن آن
		پرانرژی بودن
۴	صلاحیت شخصیتی	تحمل بالا
		آرامش و صبوری
		کنترل و مدیریت شرایط

ردیف	مضمون اصلی	مضامین فرعی
۵	صلاحیت مربوط به فنون رهنمودی	انتظار راهنمایی و راه‌حل نشان دادن
		آرام کردن و فرونشاندن خشم
		متقاعد کردن برای مشاوره فردی
		آگاهی دادن به نقاط ضعف
		کمک به کاهش اضطراب
		آموزش مهارت ارتباطی
		آموزش کنترل خشم
		استفاده از تکنیک‌های شناختی
۶	صلاحیت‌های تخصصی در مشاوره زوجی و طلاق	عدم تشویق به طلاق
		عدم اتحاد با یکی از زوجین
		داشتن اطلاعات حقوقی
		توجه به فرزندان
		انتظار نگاه غیر جنسیتی
		راهنمایی در مورد سازگاری پس از طلاق
		تأهل داشتن
		عدم پافشاری در سازش
		کوتاه‌تر کردن فرایند جلسات
		لزوم پیایی بودن جلسات و عدم وقفه
		برقراری ارتباط با خانواده‌های هسته‌ای

یکی از مشارکت‌کنندگان پس از طی فرایند مشاوره قبل از طلاق سازش کرده بود و به ادامه زندگی مشترک برگشته بود و بقیه مصاحبه‌شوندگان در زمان اجرای مصاحبه طلاق گرفته بودند. قابل ذکر است برخی از مشارکت‌کنندگان به بیان تجربیات مثبت یا منفی خود از جلسات مشاوره قبل طلاق پرداختند و برخی بیشتر انتظارات خود از مشاور و آنچه باید وجود داشته باشد را بیان کردند.

با توجه به مضامین اصلی و فرعی موجود در محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته الگوی آموزشی صلاحیت حرفه‌ای مشاوران طلاق تدوین شد.



شکل ۱. مدل صلاحیت حرفه‌ای مشاوران طلاق

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف طراحی الگوی آموزشی صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق انجام شده است. نتایج این پژوهش کیفی پس از تحلیل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته موجب طراحی مدل آموزشی صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق شد. در ادامه به تحلیل یافته‌ها می‌پردازیم. در پاسخ به سؤال اول پژوهش (صلاحیت‌های حرفه‌ای مشاوران طلاق بر مبنای نظر متخصصان چگونه است؟) تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که میانگین سن متخصصانی که در مصاحبه شرکت داشتند ۴۹ سال و میانگین سابقه کار آنان ۱۸ سال است. در مجموع ۶ نفر از متخصصان مورد مصاحبه قرار گرفتند که دو نفر از آنان آقا و ۴ نفر دیگر خانم بودند.

پس از کدگذاری و تحلیل داده مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصین، ۸ مضمون اصلی و ۵۲ مضمون فرعی شناسایی شد. مضامین مصاحبه انجام شده از متخصصان در قالب دو گروه مضامین اصلی و مضامین فرعی است که مضامین اصلی شامل صلاحیت عمومی، صلاحیت ظاهری، صلاحیت ارتباطی، صلاحیت اخلاق حرفه‌ای، صلاحیت شخصیتی، صلاحیت مربوط به فنون رهنمودی و انگیزشی و صلاحیت‌های تخصصی در مشاوره زوجی و طلاق است. مضامین فرعی نیز شامل موارد ذیل است.

۱. صلاحیت عمومی (خلاقیت، تشخیص دقیق، تسلط روی مدل درمانی، ارجاع، طی کردن دوره‌های آموزشی، کارورزی با سوپروایزر دارای صلاحیت، دانش و آگاهی، مهارت و تجربه، مداخله به موقع، صلاحیت فرهنگی، راهبرد مقابله‌ای جهت کاهش فرسودگی، مدیریت جلسه). در تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجایی که برقراری رابطه درمانی در جلسات مشاوره طلاق به علت اجباری بودن فرایند گاهی دشوار است لازم است مشاوران با استفاده از تکنیک‌های خلاقانه گامی در جهت کاهش این دشواری‌ها بردارند. فقدان خلاقیت در مشاوره از نگاه سلیمی (۱۳۸۰) یکی از اشتباهات درمانگران است. به کارگیری فنون خلاقانه فرایند مشاوره را تسریع می‌کند (مرای و راتر، ۲۰۰۲).

یافته‌ها در مورد اهمیت تشخیص دقیق با نظر اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۴۰۰)، کوری (۲۰۱۳)؛ ترجمه سیدمحمدی، (۱۳۹۱)؛ ومپولد^۱ (۲۰۱۵)؛ فیرس و تیموتی (۱۹۹۷)؛ ترجمه فیروزبخت، (۱۳۹۳) و سامرز فلناگان و سامرز فلناگان (۲۰۰۳)؛ ترجمه براتی و همکاران، (۱۳۸۹) همسو است. کسب دانش و دانش‌افزایی می‌تواند به درمانگران در یادگیری در مورد تغییرات محتمل در قوانین و نیز یافته‌های جدید علمی کمک کند و به همان نسبت در رسیدگی به تنگناها و پیچیدگی‌های اخلاقی در طول فرآیند مشاوره یاری‌رسان باشد (کارنی و مک کارن، ۲۰۱۲). کسب تخصص مستلزم مهارت‌های بالینی عمومی در مصاحبه تشخیصی، گوش دادن و پاسخ دادن همدلانه و توانایی برقراری اتحاد درمانی به‌ویژه در مواجهه با مراجعان دشوار است (اسپری و کارلسون، ۲۰۱۳)؛ ترجمه قربان پور، (۱۴۰۰). هیز، گلسو و هامل^۲ (۲۰۱۱) معتقدند سابقه شخصی مشاور، تجارب حرفه‌ای، دانش نظری و مهارت‌های بالینی در شکل‌دهی به روند مشاوره نقش بارزی ایفا می‌کند. اهمیت به‌روزرسانی دانش و آگاهی و کارورزی در پژوهش‌های سوانک^۳ (۲۰۱۰)، آنسیز، زیمانسکی و لدنی^۴ (۲۰۰۸)، بلاچر^۵ (۲۰۰۰) نقل از دوکانه‌ای فرد و شفیع‌آبادی و شریفی، (۱۳۸۷)؛ شاملو (۱۳۸۱)؛ شفیع‌آبادی (۱۳۹۴)؛ ومپولد (۲۰۱۵)؛ ترجمه فیضی، (۱۳۹۴)، کاسپر، برگر و هاتل^۶ (۲۰۰۴) و سامرز فلناگان، سامرز فلناگان (۲۰۰۷)؛ ترجمه شریعتمدار، (۱۳۹۵) ذکر شده است. اگر مشاوران بخواهند مداخله‌های آن‌ها با ارزش‌های درمان‌جویان هماهنگ باشد، التزام اخلاقی دارند که نسبت به تفاوت‌های فرهنگی حساس باشند. نقش درمانگر این است که به درمان‌جویان کمک کند تصمیماتی بگیرند که با نگرش خود آن‌ها مطابقت داشته باشند نه اینکه آن‌ها را متقاعد سازد که از ارزش‌های او تبعیت کنند. تنوع رابطه درمانی جاده‌ای دوطرفه است (کوری، ۲۰۱۳)؛ ترجمه سیدمحمدی، (۱۳۹۱). از نظر

-
1. Wampold, B. E
 2. Hayes, J. A, Gelso, C. J, & Hummel, A. M.
 3. Swank, J. M
 4. Ancis, J. R, Szymanski, D. M, & Ladany, N.
 5. Blocher, D. H.
 6. Caspar, F, Berger, T, & Hautle, I.

طرفداران دیدگاه عوامل مشترک، تسلط و آگاهی مشاوران بر عوامل مشترک تأثیرگذار بر فرایند درمان نظیر رابطه درمانی، ویژگی‌های مراجعین (امید، انگیزه و پشتکار)، ویژگی‌های مشاوران (امید، تسلط بر فرایند درمان، انتظار، قوه توجه)، سازوکارهای غیراختصاصی تغییر و متغیرهای میانجی و تعدیل‌کننده، از ضرورت‌ها و بایسته‌های مشاوران در فرایند مشاوره و موفقیت درمانی به حساب می‌آید (وانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ نقل از چوپانی و کرمی، ۱۳۹۸). دو نوع ناتوانی در مشاوران طلاق خیلی اهمیت دارد. یک ناتوانی در به موقع عمل کردن است. وقتی اختلافات بالا می‌گیرد طی مشاوره مهارت متوقف کردن فرایند، خیلی اهمیت دارد و مشاور باید بتواند به موقع مداخله کند و اجازه ندهد جلسات مشاوره طلاق ادامه زندگی آن‌ها باشد مداخله به موقع داشته باشد. دسته اول ناتوانی‌ها مداخلات زودهنگام است یعنی مشاور باید بتواند در حین این که به تأخیر نیندازد تعجیل هم نکند یعنی اجازه دهد حرف‌هایشان را بزنند تا جایی که به هم آسیب نزنند. پس مداخله زودهنگام دسته اول است و مداخله دیرهنگام دسته دوم ناتوانی است (گلادینگ، ترجمه بهاری، ۱۳۹۰). در مورد صلاحیت چند فرهنگی می‌توان گفت با توجه به بافت و فرهنگ متنوع در جمعیت استان سمنان که متأثر از شرایط جغرافیایی و مهاجرپذیر بودن استان است؛ اهمیت صلاحیت چند فرهنگی مشاور طلاق بیش‌ازپیش احساس می‌شود. کوماس دیاز^۱ (۲۰۱۴) عنوان می‌کند هر جامعه‌ای از فرهنگ و باور خاصی برخوردار است که تمامی ابعاد درمانی را از همان ابتدا متأثر می‌کند، طوری که کار با هر مراجعی یک سری صلاحیت‌هایی را می‌طلبد که با فرهنگ آن جامعه نیز تعارض نداشته باشد. دیباواجاری (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان داد صلاحیت‌های چند فرهنگی مشاوران با صلاحیت‌های مورد انتظار هماهنگ نیست. ریدلی، مولن و کلی^۲ (۲۰۱۱) در مشاوره طلاق بر اهمیت ارجاع و مشاوره با منابع دیگر تأکید داشتند. درمانگر در صورت لزوم و یا احساس ناتوانی باید توان ارجاع زوج به درمانگر دیگر را داشته باشد (هاروی، ۲۰۰۵؛ ترجمه احمدی، اخوی و

1. Comas-Díaz, L.

2. Ridley, C. R, Mollen, D, & Kelly, S. M.

رحیمی، ۱۳۹۵). کوننو، کموندورو و مکری^۱ (۲۰۱۰) در پژوهش خود رابطه صلاحیت حرفه‌ای مشاوران شغلی مدارس یونان با فرسودگی شغلی را بررسی کردند. نتایج مطالعه آنان نشان داد بدبینی و فرسودگی عاطفی با عملکرد مؤثر در حوزه صلاحیت‌های مشاوره رابطه منفی دارد لذا تلاش برای کاهش فرسودگی شغلی جزئی از ملاک‌های صلاحیت حرفه‌ای مشاوران است و با توجه به اینکه مشاوره درازمدت در حوزه طلاق و خانواده طبق مشاهدات پژوهشگر همراه با فرسودگی است، ضروری است مشاورین نسبت به این امر و جلوگیری از آن آگاه باشند. اورهولسر^۲ (۲۰۱۰) داشتن حداقل ۱۰ سال تجربه بالینی، کارورزی پیشرفته یا داشتن پروانه تخصصی و کسب مدرک نهایی در یک رشته درمانی را از صلاحیت‌های ضروری یک درمانگر می‌داند. با توجه به یافته‌های ذکر شده از دیگر پژوهش‌ها به نظر می‌رسد از نگاه متخصصان مشارکت‌کننده صلاحیت عمومی برای مشاورین طلاق لازم و ضروری است.

۲. صلاحیت ظاهری (ظاهر آرام، سن بالا، جذبه و قاطعیت، پوشش آراسته). در تبیین این یافته می‌توان ذکر کرد ویژگی‌های جمعیت شناختی مشاور از قبیل وضعیت ظاهری و بدنی، وضعیت تأهل، مذهب، ملیت، سن و جنس، تجارب شغلی و رشته تحصیلی می‌تواند در هدایت فرایند مشاوره موفق نقش مؤثری داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۱؛ گیسون و میشل، ۱۹۹۰ نقل از دوکانه‌ای فرد، شفیع‌آبادی و شریفی، ۱۳۸۷). ساعتچی (۱۳۸۳) معتقد است علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی یک مشاور، ویژگی‌هایی مثل دارا بودن حداقل دانشنامه دکتری یا کارشناسی‌ارشد در یکی از رشته‌های روان‌شناسی بالینی، مشاوره، داشتن حداقل ۳ سال سابقه کار در زمینه مشاوره و روان‌درمانی، داشتن شرایط ظاهری مرتب و آراسته و دارا بودن سن بالای ۳۰ سال می‌تواند در موفقیت شغلی و حرفه‌ای او نقش بسزایی داشته باشد. در مورد قاطعیت مشاور سیمینگتن (۲۰۰۳؛ ترجمه علینقی، ۱۳۹۸) معتقد است درمان شکست می‌خورد چون درمانگر به قدر کافی مقتدر و قوی نیست یا بدتر از آن خبر ندارد که مراجع درمان را به مخاطره می‌کشد. درمانگر باید احساسات قوی را در مراجع بیدار

1. Kounenou, K, Koumoundourou, G, & Makri-Botsari, E.

2. Overholser, J.

کرده و ترس و بزدلی را به چالش بکشد. در پژوهش‌های قبلی یافته‌ای در مورد ویژگی‌های خاص ظاهری مشاورین طلاق یافت نشد، با این حال به نظر می‌رسد طبق نظر متخصصان ظاهر آرام، سن بالا و قاطعیت و پوشش آراسته منجر به ایجاد اعتماد در متقاضیان طلاق گشته و به تبع آن کیفیت ارتباطی مراجع- مشاور را ارتقا می‌بخشد.

۳. صلاحیت ارتباطی (قدرت کلامی بالا، مهارت‌های ارتباطی اولیه، درک و همدلی، گوش دادن فعال، پذیرش، عدم تعصب و قضاوت، بازخورد) در تبیین این یافته می‌توان گفت بارها در متون و پژوهش‌ها نوشته شده که درمان اثربخش ربط زیادی به تکنیک ندارد و بیشتر به کیفیت رابطه بستگی دارد و مشاور طلاق مؤثر فردی است که مهارت‌های بین فردی خوبی دارد و در مراحل ابتدایی جلسه و برای برقراری خیابان دوطرفه مراجع- مشاور سعی در شکل‌گیری ارتباط مؤثر دارد. پرواضح است با توجه به اهمیت موضوع طلاق و پیامدهای آن از یک طرف و دشواری‌های پیش روی مشاور طلاق از طرف دیگر در زمینه برقراری رابطه مؤثر با متقاضیان طلاق که خود دارای تنش‌ها و آسیب‌های زیاد هستند، لزوم حساسیت، آموزش و نظارت بیشتر احساس می‌شود. مهارت‌های ارتباطی پایه و اساس روابط انسانی است. همه مشاوران در هر نوع رابطه یاورانه می‌توانند مهارت‌های ارتباطی همدلانه را یاد بگیرند. اعتماد در اثر مهارت‌های ارتباط مؤثر در یک بافت همدلانه به وجود می‌آید و برای اینکه مشاور بتواند به راحتی از راهبردهای متفاوت استفاده کند باید بتواند در سه سطح عاطفی، شناختی و رفتاری با دیگران رابطه برقرار کند (اوکان، ترجمه محمدخانی، ۱۳۸۸). سوانک (۲۰۱۰) مؤلفه‌های ارتباطی از قبیل همخوانی، درک و همدلی، تمرکز، سؤال کردن، مواجهه، گوش دادن، عدم قضاوت را در صلاحیت حرفه‌ای مشاوران مؤثر می‌داند. کاپوزی و گراس^۱ (۲۰۱۳) لیستی درجه‌بندی شده از مهارت‌های مشاوره خرد را برای یک مشاور حرفه‌ای تعریف می‌کنند که مواردی را شامل می‌شود که مشاور در حین مصاحبه‌های درمانی برای دستیابی به نتایج مطلوب انجام می‌دهد بعضی از این مهارت‌ها شامل رفتارهای توجه داشتن و مهارت‌های اساسی گوش

1. Capuzzi, D, & Gross, D. R.

دادن می‌شود و از جمله آن‌ها می‌توان موارد زیر را نام برد: تماس چشمی، ژست‌ها، کیفیت صدا، هماهنگی رفتار کلامی و غیر کلامی، شنونده فعال، زبان بدن، توجه به لحن کلام، سؤالات باز و بسته، درک مطلب، انعکاس دادن سکوت و... باید ذکر کرد که اهمیت این مهارت‌ها به ترتیب آورده شدنشان نیست. ایوی، ایوی و اسمیک-مورگان (۱۹۹۳) نقل از اوکان، ترجمه محمدخانی، (۱۳۸۸) مؤلفه‌های کیفی ارتباط از قبیل همدلی اولیه و پیشرفته، احترام مثبت، پذیرش، گرمی، عینیت، بی‌واسطه بودن، مواجهه و خلوص را برای مشاوران مؤثر ضروری می‌دانند.

همان‌طور که ذکر شد اهمیت ارتباط مراجع و مشاور بر کسی پوشیده نیست و در پژوهش‌های باباجانی، رضاپور و متقی (۱۳۹۹)، سوانک (۲۰۱۰) و میولد (۲۰۱۵)؛ ترجمه فیضی، (۱۳۹۴)، میلر (۱۹۹۰)، به نقل از لینهان^۱، (۱۹۹۳)، اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۴۰۰)، اوکان (ترجمه محمدخانی، ۱۳۸۸) بر آن تأکید شده است.

۴. صلاحیت اخلاق حرفه‌ای (رازداری، تعهد، لزوم حفظ اطلاعات شخصی، آگاهی به اصول اخلاقی). نظر به اینکه در جریان مشاوره طلاق بسیاری از تعاملات مشاور-مراجع در مورد موضوعات مربوط به حریم شخصی و خاص زوجین است دارا بودن این صلاحیت منجر به اعتماد بیشتر مراجع و به تبع آن پیامدهای مؤثرتر جریان مشاوره طلاق می‌شود. یافته‌ها در مورد اهمیت صلاحیت اخلاق حرفه‌ای با پژوهش اریکسون و مک اولیف (۲۰۰۶) همسو است، آن‌ها نشان دادند ویژگی‌های شخصیتی و رشد اخلاقی در حدود ۱۸ درصد، واریانس موفقیت شغلی مشاوران را پیش‌بینی می‌کند. فلیمز^۲ و همکاران (۲۰۱۷) صلاحیت حرفه‌ای مشاوران را در طلاق و تعارضات خانواده‌های نظامیان آمریکایی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در حوزه مشاوره دانش و مهارت‌های لازم برای درک و ارائه راهنمایی در چارچوب ملاحظات فرهنگی و اخلاقی این قشر وجود ندارد. احمدی نوده، اخوی، ریسی و رحیمی (۱۳۸۹) یافتند بیشتر مشاوران و روان‌شناسان از شناخت خوبی نسبت به ضوابط اخلاق حرفه‌ای برخوردار هستند. ضوابط اخلاقی

1. Linehan, M.

2. Flamez, B.

مشاوره و روان‌درمانی، دامنه وسیعی دارد، معمولاً این ضوابط حداقل استانداردهای رفتار درمانگر را مشخص می‌کند و از رفتارهای ممنوع جلوگیری می‌کند، بین پیروی صرف از ضوابط اخلاقی و داشتن تعهد عملی نسبت به ضوابط اخلاقی سطح بالا نیز، تفاوت زیادی وجود دارد، تعهدات اخلاقی مستلزم عملکرد اخلاقی است و ارتقاء معیارهای اخلاقی، مستلزم دستیابی به استانداردهای مطلوب رفتاری است (کیانی، نوری زاده، پورناصح و قدس میرحیدری، ۱۳۸۷).

این یافته با نتایج شفیع‌آبادی (۱۳۹۴)، سوانک (۲۰۱۰)، ومپولد (۲۰۱۵)؛ ترجمه فیضی، (۱۳۹۴)، میلر (۱۹۹۰)، به نقل از لینهان، (۱۹۹۳)، اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۳۹۹) همسو است.

۵. صلاحیت شخصیتی (صبر، مدیریت هیجان، تاب‌آوری، خویشنداری، تمایز یافتگی، خودیاری، خودآگاهی، مهارت تصمیم‌گیری، کنترل بر خطای شناختی، سلامت روان، سازگاری بالا، پختگی شخصیت). در فرایند مشاوره طلاق با توجه به اجباری بودن فرایند و جو پرتنش بین زوجین متقاضی طلاق و حتی خانواده اولیه آنان لازم است مشاور از نظر شخصیتی توانایی مدیریت هیجان در شرایط حساس، خویشنداری، صبر و ... داشته باشد. اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۳۹۹) معتقدند درمانگران مسلط افرادی‌اند که ذاتاً و در نتیجه‌ی یادگیری می‌توانند به‌سادگی سازگاری عاطفی و توجه نسبت به نیازهای دیگران را نشان دهند. با این حال، اگر درمانگر مهارت‌های خود مراقبتی را نیاموخته باشد، چنین تمرکز متمرکزی می‌تواند توان‌فرسا باشد. درمانگران مسلط این مهارت‌ها را آموخته‌اند و آن‌ها را در مراقبت از نیازهای معنوی، هیجانی و جسمانی خویش لحاظ می‌کنند. در نتیجه آن‌ها قادرند طراوت و شور کار خود را از طریق به‌کارگیری تخصص خودشان در ارضای نیازهای خودشان حفظ کنند. در این مورد بلاچر (۲۰۰۰) و برادلی و لادانی (۲۰۰۱) نیز معتقدند که همدلی، احترام، عینیت‌گرایی، صداقت، شجاعت، شوخ‌طبعی، اصالت، مواجهه مهم‌ترین خصوصیات یک مشاور کارآمد است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روان‌درمانگر، استحکام هیجانی است. روان‌درمانگر باید

بتواند منفور بودن و مورد اتهام و توهین قرار گرفتن را مدیریت کند. مراجعی که در وضعیت بحرانی قرار دارد نیاز دارد تا بتواند دست به چنین کارهایی بزند و بداند که متقابلاً مورد حمله قرار نخواهد گرفت (سیمینگتن، ۲۰۰۳؛ ترجمه علینقی، ۱۳۹۸). دو کانه‌ای فرد، شفیع‌آبادی و شریفی (۱۳۸۷) در پژوهش روی ۴۳۰ نفر از مشاوران استان تهران نشان دادند مشاوران موفق از نظر ویژگی‌های شخصیتی مانند توانایی‌های ذهنی و شناختی، نظام ارزشی و اخلاقی، بردباری و شیوه‌های کنار آمدن با مشکلات، سلامت روانی، شهرت و مهارت‌های آراستگی، سلامت جسمانی و وضعیت تحصیلی نسبت به مشاوران ناموفق برتری دارند. در مورد اهمیت خودیاری نتایج مطالعات نشان داده است تحت مشاوره و روان‌درمانی قرار گرفتن درمانگران در ارائه مشاوره اثربخش، جدا کردن مسائل خود از مسائل درمان‌جو و رسیدگی به تعارض‌های شخصی حل‌نشده، درس گرفتن از روان‌درمانگر خود و آشنا شدن با شیوه ارتباط برقرار کردن او، کشف دفاع و مقاومت‌های خود، ایجاد مهارت در درمانگر برای شناسایی انتقال متقابل، یادگرفتن نحوه مشاوره و روان‌درمانی، درمانگر مفید شدن برای درمان‌جویان، ارزیابی انگیزه شخصی ورود به حرفه مشاوره، افزایش آگاهی از انتقال و انتقال متقابل، آگاهی از مسائل و مشکلات شخصی و حل برخی از آن‌ها، افزایش خودآگاهی، تحول و رشد فردی و حرفه‌ای، گوش‌دهی و ارائه پاسخ‌های مؤثر و کارا به درمان‌جو، به دست آوردن الگویی برای فعالیت درمانی، حساس بودن نسبت به گفته‌ها و اعمال و حرکات آشکار و مستقیم با تلویحی و پوشیده درمان‌جو و همانند آن‌ها مؤثر و سودمند است (نقل از خاکپور و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹). اگر درمانگر خود را خوب بشناسد، می‌تواند به‌وضوح ذهن مراجع را از ذهن خود متمایز کند (سیمینگتن، ۲۰۰۳؛ ترجمه علینقی، ۱۳۹۸). هم‌چنین این یافته با نتایج اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۳۹۹)، و میولد (۲۰۱۵؛ ترجمه فیضی، ۱۳۹۴)، سوانک (۲۰۱۰)، آستین (۲۰۰۵)، هیز، گلسو و هامل (۲۰۱۱)، سمبای و مادوکس (۲۰۱۰)، یالوم (۲۰۰۳)، سیمینگتن (۲۰۰۳؛ ترجمه علینقی، ۱۳۹۸)، مونتوگومری و کوتلر^۱ (۲۰۰۵)، کتل و لویز^۲

1. Montgomery, M, & Kottler, J.

2. Cottle, W. C, & Lewis, J.R.

(۲۰۰۶)، کوری (۲۰۱۳؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱)، ساعتچی (۱۳۸۳)، شفیع‌آبادی (۱۳۹۴)، خاکپور و شفیع‌آبادی (۱۳۸۹)، کوری (۲۰۱۳؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۱)، میلر (۱۹۹۰)، به نقل از لینهان، (۱۹۹۳) همسو است.

۶. صلاحیت‌های مربوط به فنون رهنمودی (آرام کردن مراجع، مهارت حل مسئله، مربیگری هیجانی، تأکید روی نقاط قوت و مثبت‌نگری، قصد متناقض). در تبیین می‌توان گفت مهارت حل مسئله، مذاکره، دانش لازم در مورد حل اختلافات به‌خصوص مربیگری هیجانی یعنی تشویق به بیان هیجانات، آگاهی و آسیب‌پذیری از بیان هیجانات ناسالم اهمیت زیادی دارد. مداخله مؤثر مستلزم گوش دادن فعال و حساس و مسئولانه است، مشاور طلاق باید توانمندی را تشخیص دهد و بازخورد دهد تا جریان جلسه منفی نباشد و سپس تأکید روی نقاط قوت دو طرف فضای جلسه را تلطیف می‌کند. یکی از مهارت‌های مشاوره طلاق توانمندی در استفاده از هر آنچه پتانسیل مثبت بین زوجین و خانواده است و بیرون کشیدن و پررنگ‌تر کردن آن است تا فضای جلسه را مثبت‌تر کند. درواقع تمرکز بر مثبت‌اندیشی در گذشته و آینده‌ی زوجین و هدایت ذهن زوجین به این سمت در مشاوره طلاق خیلی اهمیت دارد.

در جریان مشاوره طلاق درمانگر آموزش ندیده مراجعش را تشویق می‌کند تا خشم خود را در جلسات نسبت به همسرش ابراز کند و در این میان منبع حمایت بیمار می‌شود. دلیلی که عموماً برای چنین رفتاری ارائه می‌شود، این است که بهتر است هیجانات بیرون آمده و عیان شوند. در اغلب مواقع جدایی غیرقابل‌اجتناب وصف شده، درمانگر نیز می‌بایست در طول این دوران پرمخاطره از یک طرف ماجرا حمایت کند (سیمینگتن، ۲۰۰۳؛ ترجمه علینقی، ۱۳۹۸). افراد گرفتار مشکلات هیجانی و عاطفی (مثل متقاضیان طلاق) در حالت استیصال و رنج فراوان ممکن است به هر شخصی متوسل شوند، اما درمان صحیح این نوع مسائل و مشکلات پیچیده و دشوار، توسط افرادی امکان‌پذیر است که علاوه بر تبحر و مهارت کافی، دانش، بینش و روش‌های لازم در روان‌درمانی را دارا بوده و در این زمینه تخصص داشته باشند؛ در غیر این صورت مشاوره می‌تواند خطرناک باشد

(شاملو، ۱۳۸۱). مشاوران مؤثر انعطاف‌پذیری و تنوع‌گرایی را ترغیب می‌کند. بدین ترتیب که مشاوران می‌توانند انواع گوناگون راهبردهای مداخله‌ای مؤثر را یاد بگیرند و بکار ببندند. هم‌چنین انواع گوناگونی از رویکردها و راهبردهای مؤثر را شناسایی و با همدیگر تلفیق می‌کند. بیشتر بر جنبه‌های مثبت زندگی مراجع تأکید می‌نماید تا بر جنبه‌های منفی آن (اوکان، ترجمه محمدخانی، ۱۳۸۸).

تأکید بر روش‌های رهنمودی در مشاوره طلاق در این پژوهش با یافته‌های سوانک (۲۰۱۰)، بلاچر (۲۰۰۰)، ریدلی، مولن و کلی (۲۰۱۱)، ومپولد (۲۰۱۵)؛ ترجمه فیضی، (۱۳۹۴)، خاکپور و شفیع‌آبادی (۱۳۸۹)، بیان زاده، بیرشک و متقی پور (۱۳۸۲)، اوکان (ترجمه محمدخانی، ۱۳۸۸)، میلر (۱۹۹۰)، به نقل از لینهان، (۱۹۹۳)، اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۳۹۹) همسو است.

۷. صلاحیت مربوط به فنون انگیزشی (ایجاد انگیزه، مصاحبه انگیزشی، سؤالات

معجزه یا استشنا)

نظر به اجباری بودن مشاوره طلاق توافقی و مقاومت زیاد در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مداخله در بحران استفاده کردن به‌موقع از مصاحبه انگیزشی و تکنیک‌های درمان راه‌حل مدار یکی دیگر از صلاحیت‌های مورد انتظار متخصصان است. رویکرد راه‌حل مدار این احساس را به مراجعین می‌دهد که آن‌ها شنیده می‌شوند و انسان‌های منحصربه‌فردی هستند. هم‌چنین بر این فرض استوار است که مراجعان می‌توانند با درک مشکلات و راه‌حل‌های ممکن آن از طریق سؤالات راه‌حل مدار زندگی‌شان را تغییر دهند (دیجانگ و برگ، ۲۰۱۲). در همین راستا داودی، اعتمادی و بهرامی و شاه سیاه (۱۳۹۱) نشان دادند رویکرد کوتاه‌مدت راه‌حل مدار در کاهش گرایش به طلاق زنان و مردان مستعد طلاق مؤثر است. هم‌چنین بهبهانی و ذوالفقاری (۱۴۰۰) نشان دادند زوج‌درمانی راه‌حل مدار بر انعطاف‌پذیری شناختی زوجین متقاضی طلاق مؤثر است. سؤالات معجزه و استشنا در مثبت شدن فضای جلسات مشاوره و ایجاد انگیزه مؤثر است. یکی از دلایلی که

مشاوره طلاق شکست می‌خورد فضای منفی این مشاوره و عدم مدیریت این فضا و بیرون نکشیدن جنبه‌های مثبت زندگی زوجین است. فهلی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نتیجه گرفت یکی از راه‌های ایجاد انگیزه برای مشاوره تعارضات زناشویی و کاهش گرایش به طلاق زنان متقاضی طلاق توجه دادن آنان به پیامدهای طلاق و آگاهی بخشی است. با کاربست برخی از اصول مصاحبه انگیزشی از مقاومت مراجعین کاسته می‌شود و فرصتی پیدا می‌کنند تا با نگاه عمیق‌تر به مشکلات خود، چاره‌اندیشی کنند. فهلی، فرحبخش، معتمدی و کاظمیان (۱۳۹۹) در پژوهشی مقیاس انگیزه مشاوره تعارضات زناشویی در زنان در آستانه طلاق را بر اساس نظریه انگیزشی وروم^۱ تدوین نمودند و نتیجه گرفتند زنان در آستانه طلاق که سه عامل انتظار، ابزار و ارزش را از جلسه مشاوره انتظار دارند، از زنانی که از این مؤلفه‌های انگیزشی بی‌بهره هستند، بهتر می‌توانند از خدمات مشاوره برای حل تعارضات زناشویی بهره ببرند.

۸. صلاحیت تخصصی در مشاوره زوجی و طلاق (نگرش تثبیت ازدواج، عدم اتحاد با یکی از زوجین، ارتباط با سیستم حقوقی، تشکیل جلسات فردی در صورت نیاز، توانایی مداخله در بحران خانواده) می‌باشند.

از نگاه بیشتر متخصصان مشارکت‌کننده نگرش مشاور طلاق باید تثبیت ازدواج باشد نه تشویق به طلاق که این امر با توجه به اهداف مشاوره‌ای قابل تبیین است اما با نظر هاروی (۲۰۰۵) ناهم‌سو است. حفظ بی‌طرفی در مواقعی که یکی از زوج‌ها قربانی سوءاستفاده یا خشونت باشد کاری بسیار دشوار است. درمانگر باید مراقب باشد هر یک از طرفین طلاق با فرافکنی خشم و قضاوت شخصی خویش بر تصمیم طلاق یا جدایی تأثیر نگذارند (هاروی، ۲۰۰۵؛ ترجمه احمدی، اخوی و رحیمی، ۱۳۹۵). این یافته با نتیجه پژوهش صفارزاده، رحیمیان بوگر و طالع پسند (۱۳۹۸)، ریدلی، مولن و کلی (۲۰۱۱) در مورد اهمیت اتحاد مناسب، همکاری با سایر سیستم‌ها و مدیریت بحران همسو است. برخی درمانگران، طلاق را یک بحران می‌دانند. این بحران حادثه یا شرایطی است که در آن

1. Vroom, V. H.

شخص احساس می‌کند همه چیز از توانش خارج و سازگاری و راه‌حل‌های موجود فراتر از ظرفیت او است (گرانولد، ۲۰۰۲، نقل از هاروی، ۲۰۰۵؛ ترجمه احمدی، اخوی و رحیمی، ۱۳۹۵). مطمئناً اتفاقات هم‌زمان با طلاق از قبیل خشونت، مصرف الکل، بی‌مسئولیتی، ورشکستگی و یا مشکلات واکنشی فرزندان ممکن است نگران شدید و آشفتگی در افراد را در پی داشته باشد؛ بنابراین امکان نیاز فوری برای به‌کارگیری تکنیک‌های مدیریت بحران و برنامه مداخله جهت تضمین سلامتی و آسایش اعضای خانواده احساس می‌شود. آگاهی حقوقی مشاور طلاق به وی در قدم برداشتن در راه اهداف مشاوره‌ای و کمک به زوجین جهت تصمیم آگاهانه‌تر کمک می‌کند. در مورد تشکیل جلسات فردی مشاور طلاق گاهی لازم است به صورت انفرادی با یکی از زوجین جهت تصمیم‌گیری بهتر کار کند و در این صورت لازم است مشاور ضمن ایجاد حس اعتماد در مراجع به‌صراحت در مورد قوانین و مسئله رازداری در این جلسات صحبت نماید. دریافته‌ای ناهم‌سو یانگ و لانگ (۲۰۰۷؛ ترجمه نظری و همکاران، ۱۳۹۲) در این زمینه از جلسات انفرادی طرفداری نمی‌کنند و معتقدند این کار می‌تواند رازداری را با مشکل مواجه سازد و فراموش شود که زوج مراجع است.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش (زوجین متقاضی طلاق بر مبنای تجربه زیسته خویش چه انتظاراتی از مشاوران طلاق دارند؟) نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که ۸ نفر از کسانی که در فرایند مشاوره قبل از طلاق شرکت کرده بودند به این منظور مورد مصاحبه قرار گرفتند میانگین سن مصاحبه‌شوندگان ۳۱/۷ سال و میانگین مدت‌زمان زندگی مشترک ایشان ۷/۳ سال است و به‌طور متوسط ۱/۱ سال از اقدام به طلاق توافقی آنان گذشته است. همچنین لازم به ذکر است ۲ نفر از مشارکت‌کنندگان طی فرایند مشاوره سازش نموده‌اند. طی مصاحبه صورت گرفته با مراجعین طلاق به‌منظور ارزیابی انتظارات آنان از مشاوران طلاق ۶ مضمون اصلی و ۴۱ مضمون فرعی استخراج شد که به شرح ذیل است:

۱. صلاحیت ظاهری (سن بالا و با تجربه بودن، ظاهر ساده، آراستگی ظاهر، جذبه): به نظر می‌رسد صلاحیت ظاهری از نظر متقاضیان طلاق منجر به ایجاد اعتماد در فعالیت حرفه‌ای و ارتباط مؤثر می‌شود. کما اینکه پژوهشگران معتقدند ویژگی‌های جمعیت شناختی مشاور از قبیل وضعیت ظاهری و بدنی، وضعیت تاهل، مذهب، ملیت، سن و جنس، تجارب شغلی و رشته تحصیلی می‌تواند در هدایت فرایند مشاوره موفق نقش مؤثری داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۱؛ گیسون و میشل، ۱۹۹۰ نقل از دوکانه‌ای فرد، شفیع‌آبادی و شریفی، ۱۳۸۷؛ اسپری و کارلسون، ۲۰۱۴؛ ترجمه قربان پور، ۱۳۹۹). ساعتچی (۱۳۸۳) معتقد است علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی یک مشاور، ویژگی‌هایی مثل دارا بودن حداقل دانشنامه دکتری یا کارشناسی‌ارشد در یکی از رشته‌های روان‌شناسی بالینی، مشاوره، داشتن حداقل ۳ سال سابقه کار در زمینه مشاوره و روان‌درمانی، داشتن شرایط ظاهری مرتب و آراسته و دارا بودن سن بالای ۳۰ سال می‌تواند در موفقیت شغلی و حرفه‌ای او نقش بسزایی داشته باشد. اورهولسر (۲۰۱۰) درمانگر حرفه‌ای را متخصصی می‌داند که از طریق ارزیابی مستقیم بالینی، آزمون روان‌شناختی یا انجام درمان روان-شناختی، چندین سال تجربه اندوخته است؛ اما از طرف دیگر شواهد کمی در خصوص برتری درمانگران باتجربه‌تر وجود دارد (باتلر و همکاران، ۲۰۰۴؛ باج و همکاران، ۲۰۱۳؛ لاسکا، اسمیت، ویسکلوکی و ومپولند، ۲۰۱۳؛ می‌نامی و همکاران، ۲۰۰۸؛ اوکیشی و همکاران، ۲۰۰۳؛ ومپولد و براون، ۲۰۰۵؛ نقل از پورشریفی، ۱۳۹۹).

۲. صلاحیت ارتباطی (احترام، مهارت ارتباط اولیه، مهارت برقراری ارتباط، استفاده از استعاره و ضرب‌المثل (برای تفهیم بهتر)، عدم پرسش زیاد، درک و همدلی، گوش دادن فعال، طولانی نکردن فرایند مشاوره (جهت درک مراجعان)، توجه فعال در جلسه) درمانگران مؤثر دارای مجموعه‌ای پیچیده و سطح بالایی از مهارت‌ها هستند: خوب و روان حرف می‌زنند؛ دیگران را خوب می‌فهمند؛ هیجان‌های خودشان را خوب و متناسب و متعادل بروز می‌دهند؛ گرم و پذیرا هستند؛ همدلی دارند و روی دیگران خوب تمرکز می‌کنند (ومپولد، ۲۰۱۵). رابطه مداری یعنی جهت‌گیری بنیادی انسان‌ها حرکت به سمت

دیگران است، در مقابل جهت‌گیری اولیه افراد حرکت به سمت اشیاء (بژه‌ها) است. پیوندهای دلبستگی و نیز کشیده شدن به سمت دیگران و مضامین زندگی‌شان در تبدیل شدن به درمانگر مسلط ضروری‌اند (اسپری و کارلسون، ۲۰۱۴، ترجمه قربان پور، ۱۳۹۹). یانگ و لانگ (۲۰۰۷؛ ترجمه نظری و همکاران، ۱۳۹۲) معتقدند استفاده از استعاره، ضرب‌المثل، تصویرسازی ذهنی و پرسش‌های پس‌از آن شیوه مهمی برای خلق تجربه‌هایی است که به خودآگاهی بیشتر و تغییر منجر می‌شوند و مشاور با استفاده از آن به زوج کمک می‌کند تا استعداد و قابلیت فردی و زوجی‌شان را بشناسند. هم‌چنین در تبیین می‌توان ذکر کرد با توجه به حضور مراجعین با تنوع بالا از نظر سن، تحصیلات و فرهنگ در جلسات مشاوره طلاق، در صورت برخورداری مشاور از این مهارت، برقراری ارتباط و نفوذ کلام مشاور افزایش پیدا می‌کند. مهارت‌های ارتباطی یک مشاور شامل توانایی دریافت و درک پیام‌های کلامی و غیرکلامی و گوش دادن فعال به این دو نوع پیام در یک بافت همدلانه است. این مهارت‌های همه مشاوران را قادر می‌سازد دو مرحله اصلی مشاوره را با موفقیت پشت سر بگذارند: مرحله برقراری رابطه و مرحله به‌کارگیری راهبردها (اوکان، ترجمه محمدخانی، ۱۳۸۸). حیدری بافقی (۱۳۹۵) نشان داد عملکرد شغلی مشاوران با برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و مهارت‌های ارتباطی ارتباط مثبت معنادار و با روان‌رنجوری و باورهای غیرمنطقی رابطه منفی معنادار دارد. از بین مهارت‌های ارتباطی، مهارت کلامی نقش بیشتری در پیش‌بینی عملکرد شغلی مشاوران دارد. مور^۱ (۲۰۱۶) نشان داد طولانی شدن فرایند طلاق باعث ابهام و پیچیدگی در مرزهای زناشویی می‌شود. میرساردو و هاشمی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند طولانی شدن فرایند طلاق به تمایل زنان به استفاده از ارتباطات غیر مشروع برای سرعت بخشیدن به فرایند طلاق، نقصان در ایفای نقش مادری و انزوای اجتماعی آنان منجر می‌شود.

1. Moore, E.

این یافته‌ها با یافته‌های سوانک (۲۰۱۰)، میلر (۱۹۹۰)، به نقل از لینهان، (۱۹۹۳)، رونستاد و اسکوهولت (۲۰۱۳)، اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۳۹۹)، باباجانی، رضاپور و متقی (۱۳۹۹)، ومپولد (۲۰۱۵)؛ ترجمه فیضی، (۱۳۹۴) همسو است.

۳. صلاحیت اخلاق حرفه‌ای (رازداری، جلب اعتماد، اهمیت به زمان جلسات، پیگیری جلسات، حل مشکل و نه دامن زدن به آن) با توجه به اینکه پژوهش در بافت استان سمنان اجرا شد می‌توان گفت فرهنگ مشارکت‌کنندگان، سکونت در شهرهای کوچک و هم‌چنین آسیب دیدن اعتماد برخی از آنان در زندگی مشترک منجر شده است در مورد رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط مشاور تأکید داشته باشند. کیانی، نوری زاده، پورناصح و قدس میرحیدری (۱۳۸۷) در پژوهشی روی ۱۱۰ نفر از مشاورین نشان دادند ویژگی‌های شخصیتی با میزان رعایت اصول اخلاقی توسط مشاوران و روان‌شناسان ارتباط معناداری دارد. احمدی نوده، اخوی، ریسی و رحیمی (۱۳۸۹) یافتند بیشتر مشاوران و روان‌شناسان از شناخت خوبی نسبت به ضوابط اخلاق حرفه‌ای برخوردار هستند و در این میان بین نوع جنسیت و وضعیت تأهل و تحصیلات مشاور و روان‌شناس با میزان شناخت اخلاق حرفه‌ای تفاوت وجود دارد. میزان اعتماد بین مشاور و مراجع که در مرحله ابتدایی برقراری رابطه به وجود می‌آید پایه و اساس اثربخشی یک راهبرد خاص را تشکیل می‌دهد (اوکان، ترجمه محمدخانی، ۱۳۸۸). این یافته با نتایج سوانک (۲۰۱۰)، میلر (۱۹۹۰)، به نقل از لینهان، (۱۹۹۳)، اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۳۹۹) همسو است.

۴. صلاحیت شخصیتی (پرانرژی بودن، تحمل بالا، آرامش و صبوری، کنترل و

مدیریت شرایط)

مشاورین طلاق به سبب رودرویی با مراجعینی که با اجبار و بعضاً با اکراه مراجعه نموده‌اند و غالباً تعارض‌های شدیدی دارند باید از ویژگی‌های پرانرژی بودن، صبوری و تحمل، توان مدیریت و کنترل شرایط در سطح بالا برخوردار باشند. روان‌درمانگر باید بتواند منفور بودن و مورد اتهام و توهین قرار گرفتن را مدیریت کند. مراجعی که در وضعیت بحرانی قرار دارد نیاز دارد تا بتواند دست به چنین کارهایی بزند و بداند که متقابلاً

مورد حمله قرار نخواهد گرفت (سیمینگتن ۲۰۰۳؛ ترجمه علینقی، ۱۳۹۸). احساس شکست، نارضایتی یا بی‌حوصلگی درمانگر طلاق، احساس شکست یا طرد مراجع را تشدید می‌کند (هاروی، ۲۰۰۵؛ ترجمه احمدی، اخوی و رحیمی، ۱۳۹۵). اغلب گفته می‌شود ویژگی‌های شخصیتی یک مشاور بسیار مهم‌تر از مهارت‌های راهبردی اوست (اوکان، ترجمه محمدخانی، ۱۳۸۸). این یافته با نتایج میلر (۱۹۹۰، به نقل از لینهان، ۱۹۹۳)، رونستاد و اسکوهولت^۱ (۲۰۱۳)، ومپولد (۲۰۱۵؛ ترجمه فیضی، ۱۳۹۴)، اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، ۱۳۹۹) همسو است.

۵. صلاحیت‌های مربوط به فنون رهنمودی (انتظار راهنمایی و راه‌حل نشان دادن، آرام کردن و فرونشاندن خشم، متقاعد کردن برای مشاوره فردی، آگاهی دادن به نقاط ضعف، کمک به کاهش اضطراب، آموزش مهارت ارتباطی، آموزش کنترل خشم، استفاده از تکنیک‌های شناختی). بسیاری از درمانگران و مشاورانی که به زوجین در آستانه طلاق کمک می‌کنند برای کنترل تعارض موجود در حین طلاق و کاهش تعارضات پس از طلاق از تکنیک‌های کنترل رفتاری مثل کنترل خشم، استرس و حل تعارض و آگاهی بخشی به شکل مستقیم استفاده می‌کنند. زوج‌های در آستانه‌ی طلاق به دلیل اختلافات شدید و افکار و هیجانات منفی که دارند در پی فرار از این موقعیت به سهل‌ترین راه یعنی طلاق توافقی روی می‌آورند؛ بنابراین در تعارضات خانوادگی و دادخواست‌های طلاق توافقی مداخله‌های درمانی که به جنبه‌های مختلف تعارضات و مشکلات زناشویی توجه می‌نماید می‌تواند مؤثر بوده و تصمیم به طلاق را کاهش دهد (مرادی، اسمعیلی، شفیق‌آبادی و کیامنش، ۱۳۹۱). مک الوانی و تیمولک (۲۰۱۳) در پژوهشی تجربه مراجعان از روان‌درمانی را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها طی یک مطالعه اکتشافی ۱۱ مراجع را بر اساس نتایج قبل و بعد درمان به دو گروه نتیجه خوب یا ضعیف تقسیم کردند. سپس به مصاحبه نیمه ساختاری با مراجعان پرداختند. یافته‌ها نشان داد هر دو گروه تجربیات کاملاً مشابهی در مورد روش درمانی فعلی خود داشتند، اگرچه برخی تفاوت‌ها وجود داشت.

1. Ronnestad, M. H., & Skovholt, T. M.

مراجعه‌کنندگان گروه نتیجه خوب از حس برابری با درمانگر و احساس استقلال بیشتر در درمان برخوردار بودند و مراجعین نتیجه ضعیف از حمایت زیاد ضمن آگاهی از عملکرد نامناسب خود برخوردار بودند و تمایلی به حضور کامل در جلسات نداشتند. لازار (۲۰۱۷) بر کاهش استرس در فرایند مشاوره طلاق تأکید داشت.

۶. صلاحیت‌های تخصصی در مشاوره زوجی و طلاق (عدم تشویق به طلاق، عدم اتحاد با یکی از زوجین، داشتن اطلاعات حقوقی، توجه به فرزندان، انتظار نگاه غیر جنسیتی، راهنمایی در مورد سازگاری پس از طلاق تأهل داشتن، عدم پافشاری در سازش، کوتاه‌تر کردن فرایند جلسات، لزوم پیایی بودن جلسات و عدم وقفه، برقراری ارتباط با خانواده‌های هسته‌ای).

مشاوران و درمانگران خانواده باید سعی کنند که در تعارضات شدید با استفاده از رویکردهای یکپارچه که با فرهنگ بومی مراجعان همخوانی دارد، مداخله کنند و تصمیم به طلاق را خنثی نمایند. بعد از اینکه مراجعان از طلاق منصرف شدند در جلسات درمانی متعدد روی زمینه‌های تعارضات آنها کار کنند و با اصلاح جنبه‌های معیوب به افزایش کیفیت زندگی آنها بپردازند (مرادی، اسمعیلی، شفیع‌آبادی و کیامنش، ۱۳۹۱). قابل ذکر است دریافته‌ای ناهم‌سو از نظر هاروی گاهی کمک به زوج برای رسیدن به طلاق مفیدتر و آسیب عاطفی کمتری برای آنها و فرزندان‌شان در پی خواهد داشت (هاروی، ۲۰۰۵؛ ترجمه احمدی، اخوی و رحیمی، ۱۳۹۵). به واسطه اینکه هر دو نفر زوج مراجعین مشاوره طلاق هستند برقراری اتحاد با یکی از آنها علیه طرف مقابل و وارد بازی‌های زوجین شدن با صلاحیت‌های حرفه‌ای یک مشاور فاصله دارد. این یافته با نتیجه پژوهش صفارزاده، رحیمیان بوگر و طالع پسند (۱۳۹۸)، ریدلی، مولن و کلی (۲۰۱۱) همسو است. چرم و بچرا^۱ (۲۰۲۰) بر اهمیت توجه به فرزندان تأکید داشتند. درمانگر یا مشاور هر نگرشی که داشته باشد، باید قاطعانه به زوج‌ها کمک کند تا به پیامدهای طلاق برای خود و فرزندان‌شان بیندیشند و گاه طلاق را به بعد از بزرگ شدن بچه‌ها موکول کنند، اما توقعات بالای

1. Schramm, D. G., & Becher, E. H.

اجتماعی-فرهنگی امروزه، اولویت را به نیازهای شخصی و فردی داده است (کاسلو و رایبسون^۱، ۱۹۹۶). محمدتقی زاده (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود به موضوع پیدا کردن گره‌های زندگی، کوتاه‌تر کردن فرایند مشاوره طلاق، راهنمایی در مورد وضعیت پس از طلاق و آماده شدن برای جدایی به‌عنوان تجربه‌ای از مشاوره قبل از طلاق اشاره کرد. پیامدهای آسیب‌زای حاصل از طلاق می‌تواند با آگاهی‌افزایی و تکنیک‌هایی که مشاور طلاق در مورد سازگاری پس از طلاق ارائه می‌دهد و برنامه‌های آموزش گروهی مثل برنامه آموزش والدین کاهش پیدا کند لذا یکی از صلاحیت مورد انتظار مشاورین طلاق کار روی سازگاری پس از طلاق است.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش (ویژگی‌های الگوی آموزش مشاوران طلاق مبتنی بر صلاحیت حرفه‌ای و تجارب زیسته متقاضیان طلاق چه خواهد بود؟) با توجه به مضامین اصلی و فرعی موجود در محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته مدل آموزشی صلاحیت حرفه‌ای مشاوران طلاق طبق شکل یک تدوین شد. با توجه به مضامین اصلی و فرعی موجود در محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته مدل آموزشی صلاحیت حرفه‌ای مشاوران طلاق تدوین شد. ضرورت‌های پیش از آموزش مشاوران در قالب صلاحیت‌های بنیادین ۱ و ۲ شامل شرایط زندگی فردی (سن، تأهل)، ظاهری (آراستگی، جذبه، سادگی)، دانش (حداقل فوق‌لیسانس، طی کردن دوره‌های آموزشی، کارورزی) و هم‌چنین شخصیتی (صبور، تاب‌آوری، خویشتن‌داری، تمایزیافتگی، پختگی، خودآگاهی، پرانرژی، سلامت روان) و اخلاقی (تعهد، رازداری، آگاهی) مدنظر است. رونستاد و اسکوهولت (۲۰۱۳) در مورد روان‌درمانگران معتقدند پیش‌شرط‌های ضروری قبل از آغاز سفر به‌سوی حرفه‌ای شدن اهل ارتباط بودن، کنار آمدن با احتمالات، توجه عاطفی به نیازهای دیگران است. در ادامه مدل در گام اول آموزش صلاحیت‌های عمومی شامل تشخیص دقیق، ارجاع، مداخله به‌موقع، مدیریت جلسه، اصول کاهش فرسودگی، تسلط در مدل درمانی، شرکت در دوره‌های آموزشی، صلاحیت چند فرهنگی و آموزش

1. Kaslow, F, & Robinson, J. A.

مهارت‌های ارتباطی شامل مهارت ارتباط اولیه، قدرت کلامی بالا، عدم پرسش‌گری زیاد، احترام، رابطه حسنه، ارتباط با دنیای پدیداری، درک و گوش دادن فعال، پذیرش، عدم تعصب و قضاوت قرار دارد. گام دوم مختص صلاحیت‌های مشاوره زوجی است که در دو بخش مهارت‌های مشاوره طلاق (نگرش مثبت به ادامه زندگی مشترک، عدم ائتلاف با یکی از زوجین، ارتباط با سیستم حقوقی، مهارت‌های مداخله در بحران خانواده، نگاه به سازگاری پس از طلاق، توجه به فرزندان) و مهارت‌های مشاوره رهنمودی و انگیزشی (آموزش مدیریت خشم، مهارت حل مسئله، مثبت‌نگری، قصد متناقص و سؤالات راه‌حل‌مدار، مصاحبه انگیزشی، تکنیک‌های شناختی، مهارت‌های اخلاقی، جلب اعتماد) تدوین شده است. تداوم آموزش‌ها ضمن کار در قالب دوره‌های ضمن خدمت و انتقال تجربیات مشاوران به یکدیگر در جلسات هفتگی و ارزیابی مداوم صلاحیت‌های حرفه‌ای تکمیل‌کننده مدل صلاحیت حرفه‌ای مشاوران طلاق است. در این زمینه اسپری و کارلسون (۲۰۱۴)، ترجمه قربان پور، (۱۳۹۹) معتقد است برای افزایش صلاحیت‌های روان‌درمانی نه میزان تجربه و نه کاربست بدون کنترل، هیچ‌کدام به‌تنهایی کافی نیستند. در عوض، جلسات کارورزی با ساختار و تدریجاً چالشی‌تر که در آن بازخورد ارائه می‌شود به مسیر حرکت و به سمت تسلط منتهی می‌شود. ارزیابی‌ها این است که حداقل ۱۰ تا ۱۵ سال کاربست با برنامه و پیش‌رونده (تدریجی) لازم است تا یک فرد درمانگری مسلط شود. در پژوهش‌های همسو بیگدلی، فرحبخش، سلیمی، معتمدی و الهی (۱۳۹۹) بر پایه آسیب‌شناسی مشاوران طلاق به اثربخشی الگوی آموزشی برافزایش سازش بین متقاضیان پرداختند. چوپانی و کرمی (۱۳۹۸) در پژوهشی الگوی شایستگی‌های مشاوران در بافت مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را ارائه دادند. ابراهیمی (۱۳۹۳) به تدوین الگوی توانمندسازی مشاوران مدرسه بر اساس آسیب‌شناسی درونی، محیطی و سازمانی فعالیت‌های آنان پرداخت. رو^۱ (۲۰۰۲) در پژوهش خود ایجاد صلاحیت حرفه‌ای در روان‌شناسان اروپایی را بررسی نمود. وی معتقد است تمرکز روی

استانداردسازی آموزش کافی نیست، بلکه روان‌شناسان ابتدا باید به تعریف محتوای حرفه و تخصص‌های متفاوت پردازند. سپس تحت نظارت به تمرین مستقل روان‌درمانی پردازند. در این زمینه ضروری است جدا از صلاحیت‌های مربوط به توانایی است، وظایف، نقش‌ها و دانش و نگرش‌ها هم بررسی شود.

با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا و محدودیت‌های ایجادشده در پی آن دسترسی به اساتید متخصص، متقاضیان طلاق و مشاوران طلاق به صورت حضوری با مشکل جدی مواجه بود و پژوهشگر تلاش نمود از طریق فضای مجازی و ارتباطات غیرمستقیم فرایند را اجرا نماید. محدودیت در تعمیم نتایج به جامعه موردبررسی به دلیل نمونه در دسترس و کوچک یکی دیگر از محدودیت‌ها بود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و با توجه به اینکه اخیراً قوه قضائیه در حال جذب و اعطای پروانه اشتغال به مشاوران ویژه طلاق است تا نسبت به ارجاع پرونده‌های طلاق به آنان اقدام نماید، پیشنهاد می‌گردد از یافته‌های این پژوهش به منظور جذب نیروهای متخصص و آموزش آن‌ها برای این منظور اقدام نماید. هم‌چنین پیشنهاد می‌گردد مراکز مشاوره خانواده که نسبت به پذیرش کارورزی برای مشاوران متقاضی اخذ پروانه اشتغال تخصصی اقدام می‌نمایند از مدل طراحی شده در این پژوهش به منظور آموزش و توانمندسازی ایشان اقدام نمایند. با توجه به تأثیرگذاری عامل فرهنگ بر میزان طلاق در مناطق فرهنگی خاص کشور، پیشنهاد می‌گردد میزان تأثیرگذاری این مدل بر توانمندسازی مشاوران و در نتیجه کاهش طلاق در فرهنگ‌های مختلف ارزیابی و مقایسه شود.

منابع

- ابراهیمی، لقمان (۱۳۹۳). *تدوین الگوی توانمندسازی مشاوران بر مبنای آسیب‌شناسی فعالیت‌های مشاوران در مدارس و ارزیابی اثربخشی آن*. پایان‌نامه دکتری، رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی.
- احمدی نوده، خدابخش؛ اخوی، زهرا؛ ریسی، فاطمه و رحیمی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). بررسی میزان شناخت مشاوران و روان‌شناسان از اصول اخلاق حرفه‌ای. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، ۹(۳۴)، ۴۹-۶۷.
- اسپری، لن و کارلسون، جان (۲۰۱۴). *مشاوران و روان‌درمانگران مسلط در جلسه درمان چگونه عمل می‌کنند*. ترجمه قربان پور لقمجانی، (۱۴۰۰). گیلان، انتشارات دانشگاه گیلان.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنمود، زهرا و نوری سعید، علی (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی*. مجله پرستاری و مامایی جامع‌نگر، شماره ۶۸. اوکان، باربارا (۲۰۰۳). *تکنیک‌های مصاحبه و مشاوره*. ترجمه شهرام محمدخانی (۱۳۸۸)، تهران، نشر طلوع دانش.
- باباجانی بروجنی، لاله؛ رضاپور، یاسر و متقی، شکوفه. (۱۳۹۹). *معنویت و تعالی خود در حرفه مشاوره: یک تحلیل کیفی*. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۴)، ۱۰۶-۷۹.
- بهبهانی، مریم و ذوالفقاری، مریم (۱۴۰۰). *اثربخشی زوج‌درمانی راه‌حل محور بر انعطاف‌پذیری شناختی زوجین متقاضی طلاق*. سنجش و پژوهش در مشاوره و روان‌شناسی، ۳(۱)، ۷-۲۷.
- بیان زاده، سید اکبر؛ بیرشک، بهروز و متقی پور، یاسمن (۱۳۸۲). *مشاوره در ایدز*. تهران: انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- بیگدلی، الیاس؛ فرحبخش، کیومرث؛ سلیمی بجستانی، حسین؛ معتمدی شلمزاری، عبدالله و الهی، طاهره (۱۳۹۹). *فراهم آوری و ارزیابی اثربخشی دستنامه توانگرسازی مشاورین طلاق بر پایه آسیب‌شناسی مشاوره‌های طلاق در سازش درخواست‌کنندگان طلاق*. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۰(۱)، ۲۷۰-۲۳۷.
- پورشریفی، حمید (۱۳۹۹). *اعتبار‌گذاری شاغلان در حرفه روان‌شناسی: معرفی اولیه "مدل پنج رنگی"*، خبرنامه انجمن روان‌شناسی ایران، ۵۱، ۴-۱۶.

چوپانی موسی و کرمی مرتضی (۱۳۹۸). معماری شایستگی‌های مشاوران مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی: ارائه الگو مبتنی بر داده‌های کیفی (مطالعه موردی: مراکز مشاوره شمیم وابسته به نیروهای مسلح ج.ا.ا.). فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. دوره ۱۰، ۴۰-۱.

حکیم شوشتری، میترا؛ حاجبی، احمد؛ پناغی، لیلی و عابدی، شیوا (۱۳۸۷). مشکلات رفتاری و هیجانی در فرزندان خانواده‌های تک‌والد تحت سرپرستی مادر با مقایسه با خانواده‌های دو‌والد: کمیته امداد. مجله دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ۶۶ (۳): ۱۹۶-۲۰۲.

حیدری بافقی، راضیه (۱۳۹۵). پیش‌بینی عملکرد شغلی مشاوران بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، باورهای غیرمنطقی و مهارت‌های ارتباطی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. رشته مشاوره. دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

خاکپور، رضا و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۹). اثربخشی گروه‌درمانی آموزش حساسیت و تعلمی بر کاهش میزان اشتباهات مشاوران و روان‌درمانگران. اندیشه و رفتار. ۴ (۱۵).

خاکی، احمد؛ فرح‌بخش، کیومرث؛ معتمدی، عبدالله؛ اسمعیلی، معصومه و سلیمی بجستانی، حسین (۱۳۹۶). تدوین مدل آموزش زوج‌درمانی بوم‌شناختی چندبعدی به مشاوران مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی (مطالعه کیفی با تمرکز بر کاهش میل به طلاق و تعارضات زناشویی). فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (فرهنگ مشاوره)، ۸ (۳۰)، ۲۵-۵۶.

داودی، زهرا؛ اعتمادی، عذرا؛ بهرامی، فاطمه و شاه‌سیاه، مرضیه (۱۳۹۱). تأثیر رویکرد زوج‌درمانی کوتاه‌مدت راه‌حل‌محور بر سازگاری زناشویی در زنان و مردان مستعد طلاق شهر اصفهان. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۴ (۵۵)، ۱۹-۹.

دوکانه‌ای فرد، فریده؛ شفیع‌آبادی، عبدالله و شریفی، حسن پاشا (۱۳۸۷). بررسی ویژگی‌های شخصیتی و صلاحیت‌های علمی و حرفه‌ای مشاوران موفق از دیدگاه جامعه مشاوران استان تهران و شهرستان‌های آن. نوآوری‌های مدیریت آموزشی (اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی)، ۳ (۲) (مسلسل ۱۰)، ۴۳-۶۱.

دیباواجاری، مریم (۱۳۹۲). صلاحیت‌های مشاوره چند فرهنگی مشاوران قومیت‌های مختلف شهر تهران در ابعاد دانش، آگاهی و مهارت. پایان‌نامه دکتری، رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.

- رحیمیان بوگر، اسحق؛ صفارزاده، سمیه و طالع پسند، سیاوش (۱۳۹۸). اختتام زودرس روان‌درمانی در موقعیت‌های کلینیکی سرپایی: اثرات ساختاری انتظارات بیمار، تحمل درمان، صلاحیت‌های درمانگر و اتحاد درمانی. مجله سلامت روان ایرانیان، ۲ (۲)، ۳۳-۴۴.
- رضایی، زینب (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق در دوران عقد با تأکید بر تجربه زیسته زنان در شهر اراک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- سازش ۱۵ درصدی در دعاوی خانواده با ارجاع به مراکز مشاوره (۱۳۹۶/۱۰/۱۹). روزنامه حمایت. از اینترنت <http://www.hemayatonline.ir/newspaper/item/7486>
- سازمان بهزیستی کشور (۱۳۹۷). مراکز مداخله در بحران. بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۱۰ از: <https://www.behzisti.ir>
- ساعتچی، مهدی (۱۳۸۳). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: نشر ویرایش.
- سامرز فلنگان، جان و سامرز فلنگان، ریتا. (۲۰۰۳). مصاحبه بالینی. ترجمه فریده براتی، نیسان گاهان، هامایک آوادسیانس و داوود عرب قهقستانی (۱۳۸۹). تهران: انتشارات رشد.
- سامرز فلنگان، جان و سامرز فلنگان، ریتا (۲۰۰۷). پویایی‌های هویت اخلاقی در حرفه‌های یاورانه. ترجمه آسیه شریعتمدار (۱۳۹۵). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلیمی. سید حسن (۱۳۸۰). اصول روان‌درمانگری، تهران: انتشارات گلپان.
- سیمینگتن، نویل (۲۰۰۳). چگونه روان‌درمانگر انتخاب کنیم. ترجمه مهیار علینقی (۱۳۹۸). تهران: پیش نو
- شاملو، سعید (۱۳۸۱). روان‌شناسی بالینی. تهران: انتشارات رشد.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۴). روش‌ها و فنون مشاوره. تهران: کتاب فکر نو
- فهللی، ابراهیم. (۱۳۹۹). تدوین بسته آموزشی مبتنی بر تجارب زیسته زنان مطلقه به منظور کاهش میل به طلاق و ایجاد انگیزه مشاوره حل تعارضات زناشویی زنان در آستانه طلاق. پایان‌نامه. دکتری رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی.
- فهللی، ابراهیم؛ فرحبخش، کیومرث؛ معتمدی، عبدالله و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس انگیزه مشاوره تعارضات زناشویی زنان در آستانه‌ی طلاق. اندازه‌گیری تربیتی. دوره ۱۰، شماره ۳۹.
- فیرس، جری و ترال، تیموتی (۱۹۹۷). روان‌شناسی بالینی: مفاهیم، روش‌ها و حرفه. مهرداد فیروزبخت (۱۳۹۳). تهران: رشد.

- قهاری، شهریانو و یواله‌ری، جعفری (۱۳۹۵). مشاوره طلاق. تهران: نشر دانژه.
- کوری، جرالده (۲۰۱۳). نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۱). تهران: نشر ارسباران
- کیانی، حسین؛ نوری زاده، مریم؛ پورناصح، مهرانگیز و قدس میرحیدری، سیمین (۱۳۸۷). ویژگی‌های شخصیتی و رعایت اخلاق حرفه‌ای در مشاوران و روان‌شناسان. مجله اندیشه و رفتار، ۲(۸)، ۷۹-۹۰.
- گلادینگ، ساموئل (۲۰۰۸). خانواده‌درمانی: تاریخچه، نظریه و کاربردها. ترجمه فرشاد بهاری (۱۳۹۱). تهران: نشر تزکیه.
- لانگ، لین، یانگ، مارک (۲۰۰۷). مشاوره و درمان مسائل زن‌وشوهری، ترجمه علی محمدنظری؛ جواد خدادادی؛ مسعود اسدی؛ کبری ناموران و حسین صاحب‌دل (۱۳۹۲). تهران: آوای نور.
- محمدتقی زاده، مهدیه (۱۳۹۹). تجربه مشاوره اجباری بین متقاضیان طلاق توافقی در شهر تهران. پژوهشنامه زنان. سال یازدهم، شماره ۱ (۳۱).
- مرادی، امید؛ اسمعیلی، معصومه؛ شفیع‌آبادی، عبدالله و کیامنش‌علیرضا (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی الگوی یکپارچه مشاوره پیشگیری از طلاق زوج‌های در آستانه طلاق. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال دوم، ۴(۸).
- میرساردو، طاهره و هاشمی، تبسم (۱۳۹۳). اثرات اقتصادی - اجتماعی طولانی‌شدن فرایند طلاق بر زندگی زنان، فصل‌نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۵(۵۶)، صص. ۱۰۵-۱۳۱.
- هاروی، مایکل (۲۰۰۵). کتاب جامع زوج‌درمانی. ترجمه خدابخش احمد؛ زهرا اخوی و علی‌اکبر رحیمی (۱۳۹۵). تهران: نشر دانژه.
- هاشمی، اعظم؛ و جعفری، اصغر (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی در بهبود فرآیند و محتوای خانواده در زوج‌های متقاضی طلاق توافقی. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، ۲۰(۷۷)، ۶۱-۸۸.

Amato, P. R. (2000). *The Consequences of Divorce for Adults and Children*. Journal of Marriage and the Family, 62, 1269-1287

Amato, P. R. (2010). *Research on divorce: Continuing trends and new developments*. Journal of marriage and family, 72(3), 650-666.

- American Psychiatric Association. (2014). *Desk Reference to the Diagnostic Criteria from DSM-5®*. American Psychiatric Pub.
- Ancis, J. R, Szymanski, D. M, & Ladany, N. (2008). *Development and psychometric evaluation of the Counseling Women Competencies Scale (CWCS)*. *The Counseling Psychologist*, 36(5), 719-744.
- Austin, L. (2005). *The counseling primer*. USA: By Taylor & Francis Group.
- Barlow, B. A. (2003). *Marriage Crossroads: Why Divorce is Often Not the Best Option: Rationale, Resources, and References*. *Marriage and Families*, 10(1), 5.
- Blocher, D. H. (2000). *The evolution of counseling psychology*. Springer Publishing Company.
- Capuzzi, D, & Gross, D. R. (Eds.). (2013). *Introduction to the counseling profession*. Routledge.
- Carney, J, & McCarren, K. (2012). *Social work education in non-sexual dual relationships*. *Journal of Social Work Values and Ethics*, 9(2), 10-20.
- Caspar, F, Berger, T, & Hautle, I. (2004). *The Right View of Your Patient: A Computer-Assisted, Individualized Module for Psychotherapy Training*. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 41(2), 125.
- Coates, C, & LaCrosse, R. (2003). *Learning from divorce: How to take responsibility, stop the blame, and move on*. John Wiley & Sons.
- Comas-Díaz, L. (2014). *Multicultural psychotherapy*. In APA handbook of multicultural psychology, Vol. 2: Applications and training. (pp. 419-441). American Psychological Association.
- Cottle, W. C, & Lewis, J.R. (2006). *Personality characteristics of counselors*.
- Datu, J. A. D, & Mateo, N. J. (2016). *Perceived autonomy support moderates the relations between counseling self-efficacy and flow among Filipino counselors*. *Current Psychology*, 35(1), 69-76.
- De Jong, P. and Berg, I. K. (2012). *Interviewing for solutions*. 4th ed. Pacific Grove, CA: Brooks cole. P.15
- Frost, D.M. (2012). *The narrative construction of intimacy and affect in relationship stories: Implications for relationship quality, stability,*w
- Doss, B. D, Rhoades, G. K, Stanley, S. M, & Markman, H. J. (2009). *Marital Therapy, Retreats, and Books: The Who, What, When, and Why of Relationship Help-Seeking*. *Journal of marital and family therapy*, 35(1), 18-29.
- Eriksen, K. P, & McAuliffe, G. J. (2006). *Constructive development and counselor competence*. *Counselor Education and Supervision*, 45(3), 180-192.

- Flamez, B, Mark, C, Ordway, A, Francis, J, & Moore, M. (2017). *Counselor Competency in Divorce and Disputes in Military Families*. Military and Government Counseling, 5(1), 38.
- Flynn, S. V, & Hays, D. G. (2015). *The Development and Validation of the Comprehensive Counseling Skills Rubric*. Counseling Outcome Research and Evaluation, 6(2), 87-99.
- Fukuda, Y, Nakamura, K. & Takano, T. (2005). *Municipal health expectancy in Japan: decreased healthy longevity of older people in socioeconomically disadvantaged areas*, BMC Public Health, Available at: www.biomedcentral.com
- Gibson, D. M, Dollarhide, C. T, Leach, D, & Moss, J. M. (2015). *Professional identity development of tenured and tenure-track counselor educators*. Journal of Counselor Leadership and Advocacy, 2(2), 113-130.
- Hayes, J. A, Gelso, C. J, & Hummel, A. M. (2011). *Managing countertransference*. Psychotherapy, 48(1), 88-97. Journal of Counseling Psychology. 27-30.
- Kaslow, F, & Robinson, J. A. (1996). *LongTerm satisfying marriages: Perceptions Contributing factors*. American Journal of Family therapy, 24(2), 153-170.
- Karney, B. R, & Bradbury, T. N. (1997). *Neuroticism, marital interaction, and the trajectory of marital satisfaction*. Journal of personality and social psychology, 72(5), 1075.
- Kavas, S. E. R. A. P. (2010). *Post-divorce experience of highly educated and professional women*. Unpublished doctoral thesis). Middle East Technical University.
- Kounenou, K, Koumoundourou, G, & Makri-Botsari, E. (2010). *Greek school career counselors competencies and burnout syndrome*. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 2(2), 1890-1895.
- Ladany, N, & Bradley, L. J. (Eds.). (2001). *Counselor supervision: Principles, process, and Practice*. Taylor & Francis.
- Lambie, G. W, & Stickl Haugen, J. (2021). *The Assessment of School Counseling Competencies as a Tool to Support School Counseling Students, Supervisors, and Training Programs*. Professional School Counseling, 25(1), 2156759X20981050.
- Lazar, J. L. (2017). *Seeking psychological help during litigated, mediated, and collaborative divorce: A novel application of contact theory* (Doctoral dissertation, The Wright Institute).
- Legge, S. (2008). *Social structural effects on the level and development of the individual experience of anomie in the German population*.
- Linehan, M. (1993). *Skills training manual for treating borderline personality disorder* (Vol. 29). New York: Guilford press.

- McElvaney, J., & Timulak, L. (2013). *Clients' experience of therapy and its outcomes in 'good' and 'poor' outcome psychological therapy in a primary care setting: An exploratory study*. *Counselling and Psychotherapy Research*, 13(4), 246-253.
- Montgomery, M., & Kottler, J. (2005). *The developing counselor*. In D. Comstock (Ed.), *Diversity and development: Critical contexts that shape our lives and relationships*. Belmont, CA: Thomson Brooks/Cole.
- Moore, E. (2016). *Delaying divorce: Pitfalls of restrictive divorce requirements*. *Journal of Family Issues*, 37(16), 2265-2293.
- Murray, P. E., & Rotter, J. C. (2002). *Creative counseling techniques for family therapists*. *The Family Journal*, 10(2), 203-206.
- Nakhaee, N., Eslami, M., Yazdanpanah, M., Andalib, P., Rahimi, A., Safizadeh, M., & Dadvar, A. (2020). *Reasons for seeking a divorce in Iran*. *Journal of Social and Personal Relationships*, 37(10-11), 2863-2870.
- Okurame, D. E., & Balogun, S. K. (2005). *Role of informal mentoring in the career success of first-line bank managers: A Nigerian case study*. *Career Development International*, 10(6/7), 512-521.
- Overholser, J. (2010). *Clinical expertise: A preliminary attempt to clarify its core elements*. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 40, 131-139.
- Patton, M. Q. (2007). Sampling, qualitative (purposive). *The Blackwell encyclopedia of sociology*.
- Ridley, C. R., Mollen, D., & Kelly, S. M. (2011). *Beyond microskills: Toward a model of counseling competence*. *The Counseling Psychologist*, 39(6), 825-864.
- Roe, R. A. (2002). *What makes a competent psychologist*. *European psychologist*, 7(3), 192.
- Rønnestad, M. H., & Skovholt, T. M. (2013). *The developing practitioner: Growth and stagnation of therapists and counselors*. Routledge.
- Root, A. (2010). *The Children of Divorce: The loss of family as the loss of being*. Baker Academic.
- Schonbrun, Y. C., & Whisman, M. A. (2010). *Marital distress and mental health care service utilization*. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 78(5), 732.
- Schramm, D. G., & Becher, E. H. (2020). *Common practices for divorce education*. *Family Relations*, 69(3), 543-558.
- Smaby, M. H., & Maddux, C. D. (2010). *Basic and Advanced Counseling Skills: Skilled Counselor Training Model*. Cengage Learning.
- Strasser, J., & Gruber, H. (2015). *Learning processes in the professional development of mental health counselors: knowledge restructuring and illness script formation*. *Advances in Health Sciences Education*, 20(2), 515-530.

- Swank, J. M. (2014). *Assessing Counseling Competencies: A Comparison of Supervisors' Ratings and Student Supervisees' Self-Ratings*. *Counseling Outcome Research and Evaluation*, 5(1), 17-27.
- Tesler, P. H, & Thompson, P. (2006). *Collaborative divorce: The revolutionary new way to restructure your family, resolve legal issues, and move on with your life*. ReganBooks.
- Wampold, B. E. (2015). *Qualities and Actions of Effective Therapists*. American Psychological Association: Education directorate. Retrieved September 4, 2015, from <https://www.apa.org/education/ce/effective-therapists.pdf>
- Worthington Jr, E. L. (2003). *Hope-focused marriage: Recommendations for researchers, clinicians, and church workers*. *Journal of Psychology and Theology*, 31(3), 231-239.
- Wray, K. B. (2011). *Kuhn's evolutionary social epistemology*. Cambridge University Press.
- Yalom, I. D. (2003). *Existential psychotherapy and religious consolation: A short comment*.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی